

چالش‌های تدوین رشته‌های جدید دانشگاهی^۱

منصوره قضاوی^۲

احمدرضا نصر^۳

سید ابراهیم میرشاه جعفری^۴

نعمت الله موسی پوره^۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۲/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۱/۲۴

چکیده

اطمینان از کیفیت مطلوب عملکرد فرآیند ایجاد رشته‌های دانشگاهی مهمترین مؤلفه برای ادامه حیات هر سازمان است. شناسایی چالش‌های این فرآیند یکی از راههای مهم برای تضمین کیفیت است. هدف این پژوهش شناسایی چالش‌های تدوین رشته‌های جدید در دانشگاه‌های ایران بود. بدین منظور در پژوهش کیفی حاضر، براساس روش نمونه گیری هدفمند، با اعضای هیئت علمی تدوین کننده رشته در دانشگاه‌های دولتی اصفهان، تهران و فردوسی مشهد که دارای سابقه، تجربه و علاقه بودند، در سال ۱۳۹۳ مصاحبه ی عمیق به عمل آمد. همه مصاحبه‌ها ضبط، پیاده و تایپ شد. سپس در نرم افزار مکس کیو دا وارد و کدگذاری، طبقه بندی و توصیف گردید. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش نظریه زمینه‌ای استفاده شد. پس از مصاحبه با ۲۲ نفر از اعضای هیئت علمی با تجربه در زمینه تدوین رشته، غنای اطلاعات، اشباع نظری و تکرار داده‌ها حاصل شد. ۱۱۳ کد از داده‌های تحقیق استخراج گردید که

^۱. این مقاله برگرفته از پایان نامه دکتری دانشگاه اصفهان رشته برنامه ریزی درسی است.

^۲ دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه اصفهان

^۳ استاد دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه اصفهان و نویسنده مسئول

^۴ استاد دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه اصفهان

^۵ دانشیار دانشگاه فرهنگیان

در دو طبقه اصلی و پنج زیر طبقه با عنوان چالش‌های کاربردی (ساختاری، مدیریتی و مالی) و کاربردی (علمی - حرفه‌ای و بین رشته‌ای) دسته بندی شدند. نتایج تحقیق بیانگر چالش‌هایی در فرآیند تدوین رشته‌های دانشگاهی است که این ضعف و چالش‌ها می‌تواند یک مانع مهم در رشد و توسعه رشته‌های دانشگاهی محسوب شود که با ارائه راهکارهای مناسب می‌توان آنها را مرتفع نمود.

واژگان کلیدی:

تدوین رشته، چالش‌ها، تحقیق کیفی، نظریه زمینه‌ای مقدمه و بیان مسأله

مقدمه

رشته های علمی شاخه ای خاص از یادگیری یا مجموعه ای از دانش خاص است که فعالیت های تحقیقاتی علمی و یافته های حاصل از آن علم را شامل شده و به عنوان ساختارهای سازمان یافته در چارچوب دانشگاه عمل می کنند (دیویس و دلوین^۱، ۲۰۰۶؛ مورین^۲، ۱۹۹۴). این ساختارها یک شبکه اجتماعی و شناختی را برای ارتقای دانش فراهم نموده اند. در این مجموعه تعدادی از اساتید برای کشف، فهم و توسعه دانش جدید با فعالیت های علمی، پژوهشی و فکری خود، به حضور یگدیگر مشروعیت می بخشند تا با تدوین رشته های علمی، انتقال و توسعه دانش از یک گروه به گروه دیگر را امکان پذیر سازند (اسکورز^۳، ۱۹۷۵؛ وینگارت و استهر^۴، ۲۰۰۰).

از آنجا که تغییر و نوآوری مهم ترین ویژگی عصر حاضر است. همزمان با جهانی شدن، فشار روزافزونی بر دانشگاه ها وارد شده است. به گونه ای که آنها با حرکت به سمت تحولات علمی، خواهان بهره گیری از دانش جدید هستند (ثراب نخسی و مارشال^۵، ۲۰۰۹) لذا تلاش می کنند تا با استفاده از دانش تولید شده در قالب دروس و رشته های علمی جدید و انتقال آن به دانشجویان و کاربردی شدن و توسعه و تعمیق آن بتوانند تعادل بین آموزش عالی و جامعه را فراهم نمایند (نصر، مونیدز و کامرون، ۱۳۹۱) زیرا اعتقاد به نجات بخشی علم در رفع نیازهای ثابت جامعه و برخورداری از انعطاف لازم برای همسویی با شرایط متغیر جامعه از دیر باز انتظارات خاصی را برای آموزش عالی ایجاد کرده است. بنابراین آموزش عالی باید به عنوان مهم ترین عامل تأثیرگذار بر جامعه، از طریق تدوین رشته های دانشگاهی مورد نیاز طلایه دار این تحولات در عرصه های علمی، پژوهشی و خدماتی باشد.

حقیقت قابل توجه در متون آموزش عالی آن است که علی رغم سابقه ی نه چندان طولانی واژه «برنامه ی درسی در آموزش عالی»، حیات و تداوم دانشگاه ها با مؤلفه ی طراحی برنامه ی درسی گره خورده است زیرا دانشگاه ها ناگزیر از طراحی و اجرای دوره های تحصیلی و برنامه های اثربخش برای جذب دانشجو و نیز انعکاس یافته های خود در قالب برنامه های

¹ Davies and Delvin

² Morin

³ Squires

⁴ Weingart and Stehr

⁵ Thurab- Nkhosi and Marshall

درسی هستند (هیکز^۱، ۲۰۰۷؛ گلدفینک^۲، ۲۰۰۸). این امر سبب شده، تا دانش عملی یا نحوه و فن تدوین برنامه درسی در قلمروهای مختلف و رشته‌های گوناگون آموزش عالی توسعه یابد. از این رو تدوین و توسعه رشته‌های دانشگاهی زیربنای توسعه سایر بخش‌ها خواهد بود و نیروی انسانی متخصص مورد نیاز بخش‌های مختلف، توسط آن تربیت می‌شود (نصر، اعتمادی زاده و نیلی، ۱۳۹۰). بنابراین اطمینان از کیفیت مطلوب عملکرد فرآیند تدوین رشته به منظور جلوگیری از هدر رفتن سرمایه‌های مادی و انسانی و نیز داشتن توانایی رقابت در دنیای آینده که در آن کیفیت، مهم‌ترین مؤلفه برای ادامه حیات هر سازمان باشد، ضرورتی انکارناپذیر است.

یکی از راه‌های مهم برای ارتقای کیفیت فرآیند مذکور، توجه به چالش‌های تدوین رشته است. اگرچه چالش^۳ در نزد متخصصان معانی متفاوتی دارد اما در سازمان‌های آموزشی، چالش به معنی فعالیت‌هایی است که انجام آن‌ها نیاز به عملکرد و شرایطی دارد که سازمان فاقد آن است (کافمن و هرمن، ۱۳۸۲). بنابراین چالش‌های تدوین رشته‌های دانشگاهی را می‌توان مشکلات و مسائل ذهنی و عینی، داخلی و خارجی دانست که حرکت متعادل فرآیند ایجاد رشته‌ها را کند یا متوقف می‌سازد و این امر مستلزم تلاش و تدبیر عالمانه برای چاره‌اندیشی است. بر این اساس، شناسایی چالش‌های تدوین رشته‌های دانشگاهی به عنوان ضرورتی مطرح است که تدوین‌کنندگان با شناخت، آگاهی و مدیریت آن‌ها می‌توانند تهدیدها را به فرصت‌هایی تبدیل نموده و برای پیشبرد اهداف آموزش عالی از آن استفاده نمایند و این نکته‌ای است که باید برنامه‌ریزان درسی، سیاست‌مداران و دولت‌مردان با حساسیت فراوان بدان توجه نمایند.

بیان مسئله

گسترش مرزهای دانش و تأثیر تحولات علمی جهان بر تغییر نیازهای آموزشی و پژوهشی دانشگاه‌های ایران در دهه‌ی اخیر، ضرورت تدوین رشته‌های جدید را مطرح نمود. به‌گونه‌ای که اعلام و اجرای بخشنامه ۱۰۸۹ مورخ ۱۳۷۹/۲/۱۰ آیین‌نامه واگذاری اختیارات برنامه‌ریزی درسی به دانشگاه‌های دارای هیئت ممیزه، نمودی رسمی از این تغییرات است که ضرورت

1 Hicks

2 Goldfinck

3. challenge

حرکت به سمت تمرکززدایی در فرآیند تدوین رشته را به عنوان یکی از محورهای اصلی آموزش عالی و فعالیت های اجرایی دانشگاه ها معرفی نموده که در سال های اخیر به اجرای آن پرداخته اند. بی گمان تحقق و موفقیت در این اقدام علمی مستلزم اصلاحاتی است که، شناسایی چالش ها و موانع موجود در این فرآیند یکی از مهم ترین آنهاست، لذا پژوهش حاضر درصدد فهم و شناسایی "چالش ها و موانع" موجود در فرآیند تدوین رشته در دانشگاه های ایران است.

به استناد مفاد تبصره ماده ۱۵ برنامه توسعه پنجم، آموزش عالی بر اساس قوانین، عهده دار سیاست گذاری، برنامه ریزی و اجرای سیاست ها و برنامه های توسعه آموزش عالی است، لذا در صورتی که رشته سازی و فرآیند ایجاد رشته در دانشگاهی موفقیت آمیز باشد این امر موجب ارتقا و اعتباربخشی آن دانشگاه می شود (جیکاب و لوکیک، ۲۰۰۵). بر این اساس، اگر قرار است ساختار و روند مناسبی برای تدوین رشته های دانشگاهی برقرار گردد، باید، تعهد نسبت به بهبود مستمر فرآیندهای آموزشی و ایجاد و توسعه رشته ها تکلیفی مهم محسوب شود تا بتواند مسیر این فرآیند را به سمتی هدایت کند که طراحی، تدوین و اجرای برنامه درسی رشته های جدید تسهیل گردد (شریف، ۱۳۹۰، بورتین و میدل وود، ۲۰۰۱).

در ایران به دلیل تأکید مسئولان محترم کشور، به ویژه مقام معظم رهبری در خصوص لزوم رشد شتابان علم و کسب جایگاه برتر در منطقه، ضرورت توجه به سرعت تغییرات، لزوم هماهنگی و حرکت بر لبه علم (قدیمی و محمدی نژاد، ۱۳۹۰)، افزایش تعداد دانشجویان تحصیلات تکمیلی در سال های اخیر و بر اساس برنامه های کلان کشور و تأکید اسناد بالادستی (ماده ۴۶ برنامه چهارم توسعه؛ ماده ۱۵ برنامه پنجم توسعه؛ بند ۲-۴ از نقشه جامع علمی کشور) تدوین رشته ها اهمیتی بالا و روندی رو به رشد داشته است. از طرف دیگر، تدوین رشته های جدید برای دانشگاه ها به علت تأثیر آن در افزایش اعتبار دانشگاه، تربیت نیروی متخصص و پرورش اعضای هیئت علمی، اهمیت خاصی دارد. بنابراین ضرورت شناسایی چالش ها و موانعی که در مراحل مختلف ایجاد رشته فراوری دانشگاه هاست و نبود پژوهش در این زمینه، محقق را بر آن داشت تا با بررسی نظرات اعضای هیئت علمی درگیر در فرآیند تدوین رشته، این چالش ها شناسایی شوند. زیرا شناسایی و تحلیل چالش های موجود در مسیر این فرآیند، زمینه ساز ارائه راهکارهایی برای خروج از این چالش ها است که از طریق آنها

تدوین رشته‌های ضروری و پاسخ‌گو بر مبنای نیازسنجی‌های واقع‌بینانه، انطباق رشته‌های جدید و برنامه‌درسی آن با نیازهای دانشجویان و بازار کار (نصر، اعتمادی زاده و نیلی، ۱۳۸۷؛ شادفر، ۱۳۸۶، نگارد، حوجلت و هرمانس^۱، ۲۰۰۸)، بهبود کمیت و کیفیت برنامه‌درسی، مشارکتی شدن فرآیند تدوین برنامه‌درسی و پاسخ‌گو بودن برنامه‌درسی رشته‌های جدید عملیاتی خواهد شد.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

ازدیاد دانش و رشد سریع علم در قرن حاضر سبب شده، تا دانش عملی و نحوه تدوین برنامه‌های درسی در قلمروهای مختلف و رشته‌های جدید و گوناگون آموزش عالی توسعه یابد و نظر متخصصانی چون درسل، توهی، دایاموند، استارک و لاتوکا و دیگران را به خود جلب نماید تا در زمینه ی تدوین و طراحی برنامه ی درسی آموزش عالی در سطوح مختلف درس، برنامه و یا رشته جدید و دوره تحصیلی به مطالعه و پژوهش بپردازند.

در این راستا درسل (۱۹۹۸) در الگوی خود ضمن توجه به چهار عنصر برنامه‌ی درسی تأکید نمود. مبانی فلسفی، روان‌شناختی، جامعه‌شناختی، اقتصادی، مدیریتی مرتبط با تشکیلات دانشکده و برنامه‌ریزی تسهیلات برای اجرای برنامه ی درسی به عنوان یک منطق روشن در تمام موقعیت‌های موجود برای فعالیت‌های تدوین برنامه ی درسی باید اعمال شود (فتحی واجارگاه، موسی پور و یادگارزاده، ۱۳۹۳). توهی (۲۰۰۰) نیز با تأکید بر نیازهای محلی جامعه، نیازهای دانشجویان، علاقه و تمایل به تجربه دانش جدید و دوام و بقا گروه آموزشی، به نیازسنجی و تعیین ویژگی‌های دانشجویان مزید بر چهار عنصر اصلی توجه نموده است. دایاموند (۲۰۰۰) دو مرحله بنیادی، انتخاب و طراحی برنامه و تولید، کاربست و اجرای آن را تشریح کرده است. استارک و لاتوکا (۲۰۱۱) این روند و برنامه ی درسی آن را یک طرح علمی می‌دانند که مبتنی بر فرآیند برنامه ریزی فکورانه‌ای است که در آن عناصر هشتگانه برنامه ی درسی بررسی می‌شوند.

با بررسی نظرات مطرح در زمینه تدوین مشخص شد محور اساسی این نظریه ها را، توجه عمیق به فعالیت‌های مربوط به فرآیند برنامه‌ی درسی و فرآیندهای عقلانی متعاملی تشکیل داده

است که دانشجویان در راستای آموزش یک رشته تحصیلی با آن مواجه اند. اصولاً در کشور ما نیز هر رشته جدید با یک جهت گیری اجتماعی، فلسفی، روانشناسی و سیاسی شروع می شود سپس بر مبنای آن جهت گیری، اهداف، برنامه ی درسی و معیارهای آن رشته تعیین می گردد. بنابراین در یک جمع بندی کلی می توان گفت تدوین یک رشته و برنامه ی درسی آن دارای دو بعد بنیادی و ساختاری است.

مطالعات به عمل آمده نیز بر این نکته تأکید دارند که، چون بهترین سازمان های دنیا، توسعه و تغییر سازمانی را به عنوان وظیفه اصلی سازمان توصیف نموده اند؛ بنابراین دانشگاه در عصر جدید به عنوان یکی از مهم ترین سازمان های آموزشی تأثیرگذار برای توسعه سازمانی از طریق تدوین و راه اندازی رشته های جدید با مسائل و چالش های گوناگونی روبرو شده است که می تواند تأثیرات سویی بر کیفیت دانشگاه و آموزش عالی و کاهش کارایی جامعه داشته باشد. به گونه ای که مهرمحمدی و همکاران (۱۳۸۸) از تغییر و تحولات سریع اجتماعی، تورن^۱ (۲۰۰۵) از عدم هماهنگی بین نیازهای دانشجویان و بازار کار و نایبرگ^۲ (۲۰۰۳) در پژوهشی از آزادی علمی، استقلال دانشگاهی و نظام بودجه ریزی به عنوان چالش جدی آموزش عالی نام برده اند.

ذاکر صالحی (۱۳۸۳) به سه چالش کمی، کیفیتی و مالی در آموزش عالی توجه نموده است. مهرمحمدی، احمدی و موسی پور (۱۳۹۰) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که نظام برنامه ریزی درسی با چالش های حرفه ای، پژوهشی، هویتی، تکنولوژیکی، اقتصادی، تشکیلاتی و نگرشی روبرو شده است. اشوین (۲۰۰۶) به ضعف دانش اعضای هیئت علمی به عنوان چالش دانشگاه های انگلیس تأکید نموده و خود نوسازی حرفه ای آن ها را راهکار خروج از آن می داند. اوهان و لیکانن^۳ (۲۰۰۹) در پژوهشی چالش های تدوین رشته های جدید را در فنلاند به دودسته اساسی و ساختاری تقسیم نموده است. استارک و لاتوکا (۱۹۹۳) نیز به این نتیجه رسیدند که سه چالش، ترکیب دیدگاه های متنوع، افزایش ارتباط و مواجهه با انتظارات متضاد، توسط گروه های خارجی به دانشگاه وارد شده است که این امر گسترش برنامه درسی دانشگاهی را به دنبال داشته است.

1. Torin
2. Nyborg
3 Ahonen & Liikanen

ضعف در تدوین برنامه ریزی درسی رشته‌ها، یکی دیگر از چالش‌هاست. در این راستا سبحانی نژاد، رهنما و شاه حسینی (۱۳۹۰) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که، نبود ساختار تشکیلاتی مناسب دانشگاهی، عدم انگیزه شخصی، عدم وجود سازوکار تأمین مالی و اعتباری مناسب دانشگاهی و نبود توانمندی تخصصی برنامه‌ریزی درسی اعضای هیئت علمی، به ترتیب مهم‌ترین چالش می‌باشند. حاتمی (۱۳۸۸) طی پژوهشی کیفی و مصاحبه با استادان ۱۵ رشته دانشگاهی به این نتیجه رسید که چالش‌های محیطی و بومی، سیاسی و ایدئولوژیکی، اجتماعی و فرهنگی و وابستگی کامل رشته‌های علوم انسانی به نهادهای سیاست‌گذار در حال حاضر بیشترین نمود را در رشته‌های دانشگاهی دارند. امیریان زاده و شفیع زاده (۱۳۹۱) از تغییر هرم جنسیتی، معنویت در دانشگاه، پاسخ‌گو کردن دانشگاه‌ها، آزادی علمی و استقلال دانشگاهی به عنوان چالش‌های مشترک جهان و ایران نام برده‌اند.

هدف و سؤال‌های پژوهش

هدف اصلی مطالعه حاضر، فهم و شناسایی "چالش‌ها و موانع" موجود در فرآیند تدوین رشته در دانشگاه‌های ایران است. به منظور تحقق این هدف سه سؤال ذیل موردبررسی قرار گرفت:

۱. چه چالش‌هایی تدوین رشته‌های جدید دانشگاهی را تهدید می‌کند؟

۲. هر چالش چه مؤلفه‌هایی را شامل می‌شود؟

۳. اولویت‌بندی چالش‌های تدوین رشته‌های دانشگاهی بر اساس نظر اعضای هیئت علمی چگونه است؟

روش تحقیق

به منظور شناسایی و ارائه‌ی تصویری عمیق و روشن از چالش‌های تدوین رشته‌های دانشگاهی در این پژوهش، از روش نظریه زمینه‌ای^۱ بهره گرفته شد که نوع خاصی از پژوهش کیفی است. داده‌های حاصله با استفاده از مصاحبه عمیق جمع‌آوری شد. مصاحبه‌ها به صورت رودررو، انفرادی و در مکانی مناسب انجام گرفت. قبل از شروع مصاحبه، فرم رضایت آگاهانه کسب اجازه برای ضبط و محرمانه ماندن نام و محتوای مصاحبه در اختیار آن‌ها قرار گرفت.

1 Grounded theory

مدت زمان هر مصاحبه بین پنجاه تا شصت دقیقه بود. مصاحبه با سؤال کلی آغاز و بر اساس پاسخ ها هدایت گردید. محور سؤال ها نظر و تجربه ی اعضای هیئت علمی درباره چالش های موجود در فرآیند تدوین رشته بود. ابتدا یک سؤال کلی پرسیده شد که "در زمینه ی تدوین رشته چه تجربیاتی دارید؟ در انجام این فرآیند با چه موانع و چالش هایی برخورد نمودید؟" ضمن توجه به پاسخ ها، از سؤال های پیگیر نیز استفاده شد.

پس از انجام هر مصاحبه متن گفتگوها، پیاده سازی و چندین بار مرور شد. آنگاه متن تایپ شده به نرم افزار مکس کیو دا وارد و کدگذاری داده ها توسط این ترم افزار انجام گرفت. با انجام مصاحبه دوم علاوه بر کدگذاری، طبقه بندی کدها نیز انجام گرفت. بعد از ۲۲ مصاحبه، به دلیل اشباع داده ها جمع آوری اطلاعات خاتمه یافت. مطالب گردآوری شده حاصل از مصاحبه ها، در قالب سه مرحله کدگذاری باز^۱، محوری^۲ و انتخابی^۳ تحلیل شد. به گونه ای که، با خواندن خط به خط داده ها، استخراج مفاهیم و تشکیل مقوله های اولیه ۱۱۳ کد باز به دست آمد. در کدگذاری محوری که، فرایند مرتبط کردن مقوله های فرعی به مقوله های اصلی تر، طبقه بندی داده ها و مشخص نمودن زیر طبقه ها است، به مفاهیم مشابه به دست آمده از جدول کدگذاری باز، عنوانی داده شد یعنی ۱۱۳ کد باز در ۵ مقوله ی چالش های: علمی، بین رشته ای، ساختاری، مدیریتی و مالی قرار گرفت. در کدگذاری گزینشی بعد از تولید چند مقوله سطح بالا محقق نیازمند تشخیص مفهوم کلیدی^۴ به عنوان مقوله مرکزی یا هسته ای^۵ است (گلیزر، ۲۰۰۱). در این تحقیق، بعد از چندین بار مطالعه و رفت و برگشت هایی میان مفاهیم و مقوله ها، مشخص شد مقوله ی "چالش های بنیادی و کاربردی" بیشتر در داده ها نمایان است لذا به عنوان مقوله هسته ای انتخاب شد که نتایج در شکل شماره ۱ نشان داده شده است.

جامعه مورد بررسی این پژوهش را اعضای هیئت علمی تدوین کننده رشته در دانشگاه های دولتی اصفهان، تهران و فردوسی مشهد تشکیل داد. برای انتخاب مشارکت کنندگان با استفاده از روش نمونه گیری هدفمند^۶، اعضای هیئت علمی دارای سابقه و تجربه حداقل تدوین یک

1 Open coding

2 Axial coding

3 Selective coding

4 Key Concept

5 Core Category

6 Purposive sampling

رشته مورد مصاحبه قرار گرفتند. در نهایت با استفاده از معیار اشباع نظری^۱ و رسیدن محقق به این نتیجه که انجام مصاحبه بعدی صرفاً تکرار اطلاعات قبلی است، گردآوری اطلاعات متوقف شد (کاول و برینک من^۲، ۲۰۰۹؛ گال، بورگ و گال، ۱۳۸۳). در مجموع، تعداد ۲۲ نفر (۲ زن و ۲۰ مرد) از اعضای هیئت علمی تدوین کننده رشته با مدرک دکتری تخصصی دارای متوسط ۱۹ سال سابقه خدمت و ۸ سال تجربه تدوین رشته، با مرتبه استادیار (۸ نفر)، دانشیار (۹ نفر) و استاد (۵ نفر) از سه دانشگاه مذکور در این مطالعه شرکت داشتند که موجب رسیدن به غنای اطلاعاتی و تکرار داده ها شدند. برای حصول اطمینان از اعتبار داده ها و نتایج پنج اقدام اساسی، پیاده سازی داده ها توسط دو نفر مختلف؛ کدگذاری، مقوله بندی و نام گذاری هم زمان پنج مصاحبه توسط یک همتای دیگر؛ مقایسه های تحلیلی^۳، استفاده از تکنیک ممیزی^۴ و کنترل یا اعتباریابی توسط اعضا^۵ (پاتون^۶، ۲۰۰۱؛ سیلورمن^۷، ۲۰۰۵) انجام گرفت.

یافته ها

سؤال های اول و دوم: چه چالش هایی تدوین رشته های جدید دانشگاهی را تهدید می کند؟ مؤلفه های هر چالش کدام هستند؟

هدف این مطالعه شناسایی چالش های تدوین رشته های جدید دانشگاهی بود. بنابراین پس از استخراج و کدگذاری اطلاعات مربوط به کشف و تفسیر چالش ها، در مرحله کدگذاری باز ۱۱۳ مفهوم استخراج شد که تحت پنج مقوله عمده چالش های، "علمی - حرفه ای، بین رشته ای، ساختاری، مدیریتی و مالی" دسته بندی شد و در شکل شماره ۱ در نقشه مفهومی آمده است. این مقوله های پنج گانه عمده در مرحله کدگذاری گزینشی منجر به استخراج مقوله هسته ای تحت عنوان "چالش های بنیادی و کارکردی تدوین رشته" شد. در جدول شماره ۱ نحوه کدگذاری و دسته بندی مقوله ها که در خلال خرده تحلیل^۸ مصاحبه ها استخراج شدند، ارائه شده است. در ادامه توضیحاتی پیرامون هر یک از چالش ها و مؤلفه های آنها ارائه می گردد:

- 1 Theoretical saturation
- 2 Kval and Brinckman
- 3 Analytical Comparison
- 4 Auditing
- 5 Member Check
- 6 Patton
- 7 Silverman
- 8 Microanalysis

الف. چالش های بنیادی: چالش هایی که استادان بر اساس تجارب و دیدگاه های خود در این طبقه مطرح کردند در دو زیر مقوله یا طبقه فرعی به شرح ذیل است:

۱. **چالش های علمی - حرفه ای:** در دنیای امروز که، هر نوع توانمندی بر ستون دانایی قرار دارد، برای انجام اقدامات مناسب و تقویت زیرساخت های علمی، لازم است چالش های علمی و حرفه ای موجود در این مسیر، مورد بررسی قرار گیرد. همان طور که در جدول شماره ۱ آمده است مصاحبه شونده گان از کمبود هیئت علمی متخصص (م ۱)، نبود مشاور و متخصص برنامه ریزی درسی (م ۱۷)، ضعف در همکاری های علمی (م ۱۴)، رقابت های ناسالم علمی - حرفه ای (م ۲۰)، ارائه نظرات غیر تخصصی (م ۵ و ۶ و ۱۸)، تغییر برنامه محوری (م ۶ و ۱۴) و وابستگی اعضای هیئت علمی به درسی خاص (م ۹ و ۱۱)، به عنوان چالش های حرفه ای تأکید نمودند (جدول شماره ۱). برای مثال مشارکت کننده شماره ۱ گفت: "این رشته در ایران و جهان وجود نداشت، در این رشته تنها خودم در گروه متخصص بودم، لذا برای رسیدن به اطلاعات غنی دچار مشکلاتی شدیم و احساس ضعف نمودیم". مشارکت کننده شماره ۱۷ نیز عنوان نمود: "اشکال نبودن یک نیروی متخصص برنامه ریزی درسی در کنار ما در گروه بود زیرا حضور وی باعث افزایش کارایی و کیفیت و حتی سرعت و تسهیل برنامه تدوینی می شود، وی می تواند فوت آخر کوزه گری را وارد نماید". استاد دیگری (م ۱۴) اظهار داشت: "وقتی ایده می دهید و رشته ای را تدوین می کنید، شاید تعداد کمک کنندگان کم باشد اما کسانی که دوست دارند دیکته ی نوشته شده را تصحیح کنند زیاد هستند. به خصوص اگر رشته پیشنهادی از رشته های مطرح روز باشد. این عمل، کار را سخت می کند و یک دفعه می بینید رشته از موضوعیتی که داشته، دور شده".

مصاحبه شونده شماره ۲۰ گفت: "رقابت بعضی از دانشگاه ها و افراد باعث می شود رشته ها سریع یا کند عبور کنند مثلاً دانشگاهی احساس می کرد فقط خودشان باید این رشته را داشته باشند، احساسشان این بود که نباید این رشته تصویب شود پس برای تصویب نشدن آن بیشتر بهانه می آوردند تا دلیل". استاد دیگری (م ۱۸) بیان نمود: "مشکل اساسی شوراها این است که تا گروه تخصصی و از گروه به بعد غیر تخصصی است". مشارکت کننده شماره ۶ اظهار داشت: "آنجا به مسائلی که در حوزه تخصصی آنها نیست گیر می دهند اگرچه اعضای هیئت علمی دانشگاه، عضو این کمیته هستند ولی برخورد آنها با این مسئله مثل داوری

پایان نامه است یعنی کلیت کار را می بینند، لذا با ارائه نظراتشان ممکن است جهت رشته را عوض کنند، پس بروکرسی همراه با نظرات غیرتخصصی مثل سنگ ها می ماند که به پای یک دوندۀ بسته باشند و سد راه می شود". مشارکت کننده شماره ۵ اظهار داشت: "وقتی رشته جدید می آید هرکسی می خواهد نظر بدهد و بگوید بانی این رشته است، ازجمله افرادی از صنعت به عنوان مشتریان دوره ها آمدند که با ارائه نظراتشان مانع پیشرفت کار شدند". استاد دیگری (م ۹) عنوان کرد: "با تدوین رشته باید ظرفیت گروه برای رشته ی جدید هم پخش شود. بنابراین اعضای هیئت علمی مایل نیستند ظرفیت و قدرت خود را پخش کنند". مشارکت کننده شماره ۱۱ نیز اظهار داشت: "هر چیز نو و جدید که ارائه می دهید یکسری مقاومت هایی در برابر آن هست".

۲. چالش بین رشته ای ها: مفهوم، جایگاه و تدوین بین رشته ای ها در دانشگاه ها و آموزش عالی یکی از موضوعات چالشی است که علاقه بسیاری از اعضای هیئت علمی رشته های تدوینی را به خود جلب نموده است. در این خصوص مصاحبه شوندگان از دشواری تلفیق دیدگاه اعضای هیئت علمی رشته های مختلف (م ۱)، کمبود هیئت علمی متخصص بین رشته ای و ضعف در حداقل های لازم (م ۱)، دشواری تلفیق و درهم تنیدگی مطالب و محتوای چند رشته ای ها (م ۳)، سردرگمی سفارش دهندگان بین رشته ای و تقسیم مسئولیت نتایج بین چند حوزه یا رشته (م ۸)، دشواری مدیریت و رهبری آن ها (م ۸) و دشواری ارزیابی آن ها در وزارتخانه (م ۸) به عنوان چالش های مطرح، فراروی تدوین کنندگان اشاره نمودند (جدول شماره ۱). برای مثال مشارکت کننده شماره ۱ عنوان نمود: "این رشته چندبعدی و میان رشته ای است و نیاز به متخصصان، مهارت و دانش در شاخه های متنوع دارد که لازم است متخصص این رشته در شاخه ها و ابعاد مختلف آن از نظر علمی و پژوهشی تقویت شود". استاد دیگری (م ۳) اظهار داشت: "رشته جدید تلفیقی از درس های رشته های مختلف است لذا اعضای هیئت علمی تدوین کننده رشته، یا تخصص این کار را ندارد یا بخشی از این تخصص را دارند و ما به ندرت می توانیم استادی را پیدا کنیم که، بتواند در رشته جدید، تمامی منابع و عناوین را تألیف کند". مشارکت کننده شماره ۸ بیان نمود: "وضعیت بین رشته ای ها در وزارتخانه خیلی مشخص نیست، در خصوص این که چه کسی متولی این رشته هست، چه کسی باید آن را بررسی کند، هنوز جواب قطعی به ما ندادند".

ب. **چالش های کارکردی:** چالش هایی که استادان بر اساس تجارب و دیدگاه های خود در این طبقه مطرح کردند در سه زیر مقوله یا طبقه فرعی به شرح ذیل است:

۳. **چالش های ساختاری:** همان طور که در جدول شماره ۱ آمده است مصاحبه شوندگان بر، سیستم های عریض و طویل اداری و گم شدن مدارک ارسالی (م ۲)، به روز نبودن سوابق علمی و اجرایی اساتید (م ۴)، تکیه بر اجتهاد شخصی اعضای هیئت علمی به جای مکانیسم های استاندارد (م ۹)، نبود و ساختار استاندارد برای دسته بندی رشته ها در وزارتخانه (م ۹)، موازی کاری های زیاد دانشگاه ها برای تدوین رشته (م ۱۳ و ۲)، طولانی شدن فرآیند تدوین رشته (م ۱۲ و ۱۴ و ۲)، ساختار بوروکراتیک اداری (م ۲ و ۱۷)، مکانیکی بودن روند تدوین رشته (م ۱۴)، تمرکزگرایی (م ۱۵ و ۱۷) و عدم اجرای برنامه های جامع آموزشی مبتنی بر اسناد بالادستی (م ۱۷) به عنوان مهم ترین چالش های ساختاری و تشکیلاتی اشاره نمودند. برای مثال مشارکت کننده شماره ۲ بیان داشت: "سیکل کند است، یک رشته تا مراحل خود را طی کند چند سال طول می کشد، بعد از چند سال هم یا فرد فراموش می کند دنبال چه بوده، یا افرادی که بیرون قول دادند عوض شده یا قولهایشان را فراموش کردند. علاوه بر این، وجود قوانین و مقررات اداری دست و پا گیر و نامه نگاری ها خود چالشی مضاعف است یعنی هر کاری که می خواهی انجام بدهی، می گویند اول درخواست را برای شورا بنویس و صبر کن تا جوابت را بدهند، بعد اقدام کن. من این روش را منسوخ می دانم که ما به عنوان هیئت علمی از پایین درخواست تدوین رشته بدهیم، چون افراد با انرژی و علاقه، وقت زیادی صرف می کنند ولی یکجایی دانشگاه مانع شده، لذا انگیزه ها از بین می رود و موازی کارهای زیادی پیش می آید یعنی من با یک طرز فکر و نگاه، و دانشگاهی دیگر با نگاه دیگران رشته را تدوین می کند، یک رشته با دو سرفصل متفاوت ارائه می شود".

استادی دیگر (م ۴) اظهار نمود: "یکی از مراحل اجرای تدوین رشته، تهیه آمارها از وضعیت مختلف دانشگاه و تهیه رزومه اعضای هیئت علمی می باشد. برای این موارد کانال مشخص یا مرکزی که بشود از آنجا اطلاعات به روز را تهیه نمود، وجود ندارد". مشارکت کننده شماره ۹ با اشاره به عدم وجود سازوکار قانونی مناسب گفت: "در وزارت علوم و ستاد برنامه ریزی، رشته ها بر اساس ساختارهای مختلفی دسته بندی شدند، یک قانون استاندارد واحدی وجود ندارد. بعضی از رشته ها گرایش و بعضی خودشان رشته هستند. از ما خواستند آن را تحت

یک‌رشته نه گرایش تدوین کنیم". استادی دیگر (م ۱۳) اظهار داشت: "ما مکانیسم تعریف‌شده‌ی استاندارد، برای طی مراحل ایجاد رشته در آموزش عالی نداریم و این را اعلام نکرده‌ایم. گروه‌های مختلف در دانشگاه‌های کشور، با توجه به اجتهادهای شخصی خود و تجاربی که دارند اقدام به ایجاد رشته می‌کنند. این از مهم‌ترین مسائلی است که امروزه در حوزه برنامه‌ریزی درسی در آموزش عالی وجود دارد یعنی بسیاری از تلاش‌هایی که شکل می‌گیرد با انجام کارهای موازی مواجه است". مصاحبه‌شونده شماره ۱۲ نیز اظهار نمود: "طولانی شدن فرآیند تدوین رشته به دلیل، شلوغی و حجم زیاد کار در وزارتخانه خود چالشی مضاعف است". مشارکت‌کننده شماره ۱۴ با تأکید بر اظهار نظرات غیرتخصصی بیان نمود: "تصحیح‌ها و ارائه نظرات مختلف دانشکده، دانشگاه، وزارت علوم و دانشگاه‌های دیگر در خصوص یک‌رشته تدوینی، سیر و روند را طولانی و سخت می‌کند و گاهی برنامه محوری را عوض می‌کند. دنیا الآن، از رشته‌های قدیمی عبور کرده، یک سری رشته‌ها عمر خاصی دارند. الآن بهار رشته X کشور ماست! ما تا خواستیم رشته‌ها را مناسب با این بکنیم بهار آن رشته خزان می‌شود. ما الآن به این نیروی کار نیاز داریم!". استادی دیگر (م ۱۷) اظهار داشت: "ضوابط بروکراسی دولتی بر ما حاکم است که ما را از فرصت‌ها دور می‌کند. در حال حاضر دانشگاه‌ها با مشکل تمرکزگرایی شدیدی روبرو هستند که اجازه نمی‌دهد آن‌ها متناسب با تحولات جامعه و بازار واکنش نشان دهند. به همین دلیل، زمینه رشته‌ای که ما ۲ سال پیش اقدام نمودیم الآن از بین رفته، در آن زمان تنورش داغ بود و ما می‌توانستیم دانشجوی تربیت یا بورس کنیم. ما فرصت‌ها را از دست دادیم. چون مشتری آن رشته عملاً نیازش را از جایی دیگر تأمین کرده است. از دیگر نقاط ضعف دانشگاه‌ها، مقید نبودن به سند چشم‌انداز کشور، برنامه‌های ۵ ساله و نداشتن آمایش سرزمین است. اشکال وزارتخانه نیز این است که همه دانشگاه‌ها را یکی می‌بیند از این‌رو دانشگاه‌ها نمی‌دانند رسالت آمایشی آن‌ها چیست؟ و این از مسائل کلان و ساختاری است که هنوز حل نشده و روی کارهای ما اثر می‌گذارد". مصاحبه‌شونده شماره ۱۵ نیز بزرگ‌ترین ایراد تدوین رشته جدید را تمرکزگرایی می‌داند.

۴. چالش‌های مدیریتی: مصاحبه‌شوندگان در خصوص چالش‌های مدیریتی به، مشغله زیاد و کمبود وقت مسئولین (م ۱ و ۲)؛ تغییر مدیران و سیاست‌های سازمان (م ۲ و ۳ و ۴ و ۲۲)؛ ضعف حمایت مدیران و دانشگاه برای پیگیری رشته (م ۱۰ و ۱۹)؛ انتظارات نامناسب از

اعضای هیئت علمی تدوین کننده (م ۷)؛ حمایت غیرمعمول مسؤولین از برخی دانشگاه ها (م ۱) و شفاف نبودن سیاست های مدیران در فرآیند تدوین (م ۸) فاصله بین قول و وظایف مسئولان سطوح بالا (م ۱۹) اشاره نمودند (جدول شماره ۱). برای مثال مشارکت کننده شماره ۱ اظهار داشت: "گرفتاری بیش از حد مسؤولین مستقیم وزارتخانه و نداشتن وقت کافی اعضای کمیته تهران و مشغولیت بیش از حد آنها از مهم ترین موارد است. یک مسئول در عین حالی که رئیس یک دانشگاه مهم است، کمیته های مختلف، پروژه های ملی و حتی نوشتن کتاب و راهنمایی تعداد زیادی دانشجو را عهده دار است یعنی یک فرد، کار تقریباً ۲۰ نفر را انجام می دهد به همین جهت وقت لازم برای بررسی این قضیه [تدوین رشته] را ندارد و کار ماندگار می شود".

استادی دیگر (م ۲) گفت: "با افراد زیادی در بیرون ارتباط داریم که می گویند اگر این رشته را راه اندازی کردید، فلان امکانات و آزمایشگاه را به شما می دهیم. اما بعد از دو سال یا توافق نامه دست کسی نماده، یا افراد امضاکننده دیگر در آن پست نیستند. مشارکت کننده شماره ۳ اذعان نمود "در خصوص رشته ی ما، اعضای کمیته نظراتی دادند، آنها را اعمال کردیم، بعد که برگردانیدیم دیدیم اعضای شورای دانشکده عوض شده و این افراد، نظرات جدیدی دارند".

استادی دیگر (م ۴) اظهار کرد: "با پشت سر گذاشتن همه این مشکلات بعد از یک سال نیم این پاسخ را شنیدیم که در حال حاضر سیاستمان گسترش رشته ها نیست".

مصاحبه شونده شماره ۲۲ نیز اظهار نمود "مشکلی که اشک مرا درآورد این بود که اعضاء این کمیته ها تغییر می کنند زیرا این افراد، حکمشان ۲ ساله است". مصاحبه شونده شماره ۱۰ گفت: "وقتی این حرکت از دانشگاه ما شروع شد هیچ گونه تشویق و پشتیبانی به وسیله مدیران از آن به عمل نیامد". استادی دیگر (م ۱۹) اظهار داشت "با وجودی که در آیین نامه قطب ها، راه اندازی بین رشته ای ها جزء اهداف قطب ها و به عنوان چشم انداز مطرح شده است و در برنامه های سوم، چهارم و برنامه های کشوری تأکید زیادی بر آن شده است ولی متأسفانه در وزارت خانه همکاری لازم نشد و فقط در سطح شعار جلو رفتند". مشارکت کننده شماره ۷ نیز بیان نمود: "همکاری مدیران دانشگاه کم است. دانشگاه و مسؤولین پیگیری مداوم روی این قضیه ندارند و انتظار دارند این کار را هیئت علمی انجام بدهد". استاد دیگری (م ۱) اذعان نمود: "شاید مسؤولین مستقیم دوست دارند این رشته برای اولین بار در دانشگاه خودشان اجرا شود، از این جهت اقدام خاصی به عمل نیاوردند، شاید عده ای از اعضا [تصمیم گیرنده] این

رشته را قبول نداشته و با آن مخالفت می‌کنند". مشارکت‌کننده شماره ۸ نیز گفت "با تغییر مدیریت کلاً وزارت خانه تغییر می‌کند و ما نمی‌دانیم سیاست‌های وزارت علوم در قبال رشته‌های جدید چیست!".

۵- **چالش‌های مالی:** از آنجایی که، تولید و توسعه دانش و افزایش کیفیت آن از طریق ایجاد رشته‌ها هزینه‌بر است لذا ضعف یا تقویت بنیه مالی دانشگاه‌ها به‌عنوان یکی از عوامل چالشی در رشته‌های تدوینی جدید به‌حساب آمده است. در این خصوص مشارکت‌کنندگان از عدم وجود سازوکار تأمین مالی و اعتبارات برای تدوین رشته (م ۱ و ۹ و ۱۶ و ۱۷)، تکیه بر اقتصاد دولتی برای تأمین هزینه‌های تدوین رشته (م ۶)، عدم اختصاص اعتبار برای بخش تدوین رشته در آئین‌نامه‌های مالی (م ۱۳ و ۲)، بی‌توجهی به نقش کلیدی دریافت اعتبار از بخش‌های غیردولتی برای ایجاد رشته (م ۶)، محسوب نشدن ساعت تدوین رشته در برنامه آموزشی و پژوهشی (م ۲۱) به‌عنوان مهم‌ترین آیتم‌های چالش مالی اشاره نمودند (جدول شماره ۱). برای مثال مشارکت‌کننده شماره ۹ اظهار نمود: "هر گروه یک بودجه خاصی دارد، وقتی یک رشته‌ی جدید می‌آید این بودجه باید برای رشته‌ی جدید هم ثبت شود لذا این مورد مخالفت‌هایی را در پیش دارد زیرا منابع و بودجه دانشگاه‌ها محدود است. بنابراین تعدادی از همکاران به‌خصوص در گرایش‌های دیگر مخالفت‌هایی داشتند که ما این ظرفیت را در گروه نداریم. اگر رشته‌های جدید بیايد باید کلاس‌های درسی و آزمایشگاه‌ها برای رشته جدید پخش شود". استادی دیگر (م ۱۶) عنوان کرد: "یک ریال نمی‌دهند، می‌گویند از افراد مختلف دعوت کنید که بیايند، ولی از پول خبری نیست". مشارکت‌کننده شماره ۱۷ بیان نمود: "برای داوری رشته‌های جدید منابع مالی وجود ندارد، کسانی که مجانی داوری رشته‌های جدید را انجام می‌دهند باید یا وجدان قوی یا وقت زیاد داشته باشند، ما نمی‌توانیم خیلی از کارهای جمعی را به وجدان افراد واگذار کنیم باید برای آن‌ها منابع در نظر بگیریم". مشارکت‌کننده شماره ۶ نیز گفت: "قبلاً ستادهایی کمک می‌کردند ولی الآن کمک نمی‌کنند چون اقتصاد ما دولتی است، وقتی دولت پول ندارد هیچ کجا پول نیست". استادی دیگر (م ۱۳) عنوان کرد: "در چارچوب وظایف دانشگاهی، با توجه به این که ایجاد رشته کار بسیار وقت‌گیر است، اما دانشگاه بودجه‌ای را برای این کار تعیین نکرده و ما به ازایی برایش تعریف نشده است. ما از متخصصان بیرونی دعوت کردیم، یکی از چالش‌هایی که داشتیم این بود که به ما هیچ ردیفی را نمی‌دادند

که بتوانیم به متخصصان بیرونی دعوت شده پرداختن داشته باشیم. اکثر اشخاصی که من با آنها کار می‌کردم گفتند که آنها این کار را به دلیل علاقه و انگیزه شخصی پیگیری کردند و اگر دانشگاه حمایت نکند یا مزایای مشخصی را برای مشارکت در چنین فعالیتی در نظر نگیرد آن الزامی که، دانشگاه برای ایجاد رشته‌های جدید دارد، از جهت عملی شکل نخواهد گرفت". مشارکت‌کننده شماره ۲ عنوان کرد: "وقتی رشته‌ای راه‌اندازی می‌کنم و از جاهای مختلف متخصص دعوت می‌کنم باید ابزار و هزینه‌ها، بدون دردسر فراهم شود ولی به دلیل نبود امکانات و هزینه‌ها با دغدغه و مشکلاتی مواجه شدم، باید به ۱۰۰ نفر زنگ بزنم، در خیلی از مواقع اعضای هیئت علمی مدعو خودشان هزینه رفت و برگشتشان را می‌پردازند، لذا این افراد از ادامه کار منصرف می‌شوند. من فکر می‌کنم اگر به دنبال کیفیت هستند باید امکانات و هزینه‌های مادی و زمانی لازم را بپردازند". استاد دیگری (م ۲۱) نیز گفت: "نه تنها برای این کار هزینه‌ای در نظر نمی‌گیرند بلکه ساعت تدوین، در برنامه هفتگی اساتید هم منظور نمی‌شود".

سؤال سوم: اولویت‌بندی چالش‌های تدوین رشته‌های دانشگاهی بر اساس نظر اعضای هیئت علمی چگونه است؟

بر اساس نتایج تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه‌ها در جدول شماره ۱، اولویت‌بندی چالش‌های تدوین رشته‌های دانشگاهی از دیدگاه اعضای هیئت علمی به ترتیب مربوط به چالش‌های: ساختاری (۱۹ نفر)، مالی (۱۸ نفر)، مدیریتی (۱۵ نفر)، بین رشته‌ای (۱۴ نفر) و نهایتاً علمی - حرفه‌ای (۱۰ نفر) است.

جدول ۱: نحوه کدگذاری و دسته‌بندی مقوله‌های چالش‌های تدوین رشته‌های جدید دانشگاهی

مقوله هسته	مقوله‌های عمده	فراوانی	کدهای استخراج شده	فراوانی	متن مصاحبه مشارکت کنندگان
چالش‌های بنیادی	علمی و حرفه‌ای	۱۰	۱. کمبود متخصص و ضعف علمی (م ۱)	۵	این رشته در ایران و جهان وجود نداشت. در این رشته تنها خودم، در گروه متخصص بودم، لذا برای رسیدن به اطلاعات غنی دچار مشکلاتی شدیم و احساس ضعف نمودیم (م ۱)؛ اشکال نبود یک نیروی متخصص برنامه ریزی درسی در تیم تدوین کننده رشته (م ۱۷)
			۲. نبود مشاور و متخصص	۳	احساس ضعف نمودیم (م ۱)؛ اشکال نبود یک نیروی متخصص برنامه ریزی درسی در گروه بود زیرا حضور وی باعث افزایش کارایی و کیفیت و حتی سرعت و تسهیل برنامه تدوینی می‌شود (م ۱۷)؛ وقتی ایده می‌دهید و رشته‌ای را تدوین می‌کنید، شاید تعداد کمک کنندگان کم باشد اما کسانی که دیکته‌ی نوشته شده را تصحیح کنند زیاد هستند. این عمل، کار را سخت می‌کند و یک دفعه می‌بینید رشته از موضوعیتی که داشته، دور شده (م ۱۴)؛ رقابت بعضی از دانشگاه‌ها و افراد باعث می‌شود رشته‌ها سریع یا کند عبور
			۳. ضعف مشارکت و همکاری علمی (م ۱۴)	۴	تدوینی می‌شود (م ۱۷)؛ وقتی ایده می‌دهید و رشته‌ای را تدوین می‌کنید، شاید تعداد کمک کنندگان کم باشد اما کسانی که دیکته‌ی نوشته شده را تصحیح کنند زیاد هستند. این عمل، کار را سخت می‌کند و یک دفعه می‌بینید رشته از موضوعیتی که داشته، دور شده (م ۱۴)؛ رقابت بعضی از دانشگاه‌ها و افراد باعث می‌شود رشته‌ها سریع یا کند عبور
			۴. رقابت‌های ناسالم علمی- حرفه‌ای افراد و دانشگاه‌ها (م ۲۰)	۲	تدوینی می‌شود (م ۱۷)؛ وقتی ایده می‌دهید و رشته‌ای را تدوین می‌کنید، شاید تعداد کمک کنندگان کم باشد اما کسانی که دیکته‌ی نوشته شده را تصحیح کنند زیاد هستند. این عمل، کار را سخت می‌کند و یک دفعه می‌بینید رشته از موضوعیتی که داشته، دور شده (م ۱۴)؛ رقابت بعضی از دانشگاه‌ها و افراد باعث می‌شود رشته‌ها سریع یا کند عبور
			۵. ارائه نظرات غیرتخصصی و اختلاط نظرهای علمی	۵	تدوینی می‌شود (م ۱۷)؛ وقتی ایده می‌دهید و رشته‌ای را تدوین می‌کنید، شاید تعداد کمک کنندگان کم باشد اما کسانی که دیکته‌ی نوشته شده را تصحیح کنند زیاد هستند. این عمل، کار را سخت می‌کند و یک دفعه می‌بینید رشته از موضوعیتی که داشته، دور شده (م ۱۴)؛ رقابت بعضی از دانشگاه‌ها و افراد باعث می‌شود رشته‌ها سریع یا کند عبور

کنند مثلاً دانشگاهی احساس می‌کرد فقط خودشان باید این رشته را داشته باشند، پس برای تصویب نشدن آن بیشتر بهانه می‌آوردند تا دلیل (م ۲۰)؛ مشکل اساسی شوراها این است که تا گروه تخصصی و از گروه به بعد غیرتخصصی است (م ۱۸)؛ آن جا به مسائلی که در حوزه تخصصی آنها نیست گیر می‌دهند یعنی کلیت کار را می‌بینند لذا با ارائه نظراتشان ممکن است جهت رشته را عوض کنند، بروکراسی همراه با نظرات غیر تخصصی مثل سنگها می‌ماند که سد راه می‌شود (م ۶)؛ وقتی رشته جدید می‌آید هر کسی می‌خواهد نظر بدهد و بگوید بانی این رشته است، افرادی به عنوان مشتریان دوره آمده بودند که با ارائه نظراتشان مانع پیشرفت کار شدند (م ۵)؛ اعضای هیئت علمی مایل نیستند ظرفیت و قدرت خود را پخش کنند، دوست دارند در رشته ی خودشان فقط کار کنند (م ۹)؛ هر چیز نو و جدید که	۲	بین اساتید (م ۵ و ۶ و ۱۸) ۶. تغییر برنامه محوری توسط غیر متخصصین (م ۶ و ۱۴) ۷. مقاومت در برابر تغییر (م ۹ و ۱۱)			
--	---	--	--	--	--

ارائه می‌دهید یکسری مقاومت‌هایی در برابر آن هست (م ۱۱)					
این رشته چند بعدی و میان رشته‌ای است و نیاز به متخصصان خاص، مهارت و دانش در شاخه‌های متنوع و چند بعدی دارد که لازم است متخصص این رشته در شاخه‌ها و ابعاد مختلف از نظر علمی و پژوهشی تقویت شده باشد (م ۱)؛ رشته جدید تلفیقی از درس‌های رشته‌های مختلف است لذا اعضای هیئت علمی تدوین کننده رشته، یا تخصص این کار را ندارند یا بخشی از این تخصص را دارند و ما به ندرت می‌توانیم استادی را پیدا کنیم که، بتواند در رشته جدید، تمامی منابع و عناوین را تألیف کند (م ۳)؛ وضعیت بین رشته ایها در وزارتخانه خیلی مشخص نیست، در خصوص این که چه کسی متولی این رشته هست، چه کسی باید آن را بررسی کند، هنوز جواب قطعی به	۳	۱. دشواری تلفیق دیدگاه اساتید رشته‌های مختلف (م ۱) ۲. کمبود اساتید متخصص و ضعف علمی (م ۱) ۳. دشواری تلفیق و درهم تنیدگی مطالب و محتوای رشته‌ها (م ۳) ۴. نامشخص بودن متولی بین رشته‌ای ها در وزارتخانه (م ۸) ۵. دشواری مدیریت بین رشته‌ایها (م ۸) ۶. دشواری ارزیابی بین رشته‌ای‌ها در وزارتخانه (م	۱۴	بین رشته‌ای	

ما ندادند (م ۸)		(۸)			
سیکل کند است، یک رشته تا مراحل خود را طی کند چند سال طول می کشد، بعد از چند سال یا فرد فراموش می کند دنبال چه بوده، یا افرادی که قول دادند عوض شده یا قولشان را فراموش کردند. وجود قوانین و مقررات اداری دست و پا گیر و نامه نگاری ها خود چالشی مضاعف است، هر کاری را می خواهی انجام بدهی، می گویند اول درخواست را برای شورا بنویس تا جواب دهند، موازی کارهای زیادی پیش می آید یعنی من با طرز فکر و نگاهی و دانشگاهی دیگر با نگاهی دیگر یک رشته را تدوین	۵	۱. سیستم های عریض و طویل اداری (م ۲) ۲. به روز نبودن سوابق علمی و اجرایی اعضای هیئت علمی (م ۴) ۳. نبود ساختار استاندارد برای دسته بندی رشته ها در وزارتخانه (م ۹) ۴. موازی کاری های زیاد دانشگاه ها برای تدوین رشته (م ۱۳ و ۲)	۱۹	ساختاری	چالش های کارکردی

می‌کند (م ۲)؛ یکی از مراحل تدوین رشته، تهیه آمار از وضعیت مختلف دانشگاه و تهیه رزومه اساتید است، برای این موارد کانال مشخص یا مرکزی که از آنجا اطلاعات به روز را تهیه نمود، وجود ندارد (م ۴)؛ در وزارت علوم و ستاد برنامه ریزی، رشته‌ها براساس ساختارهای مختلفی دسته بندی شدند، یک قانون استاندارد واحدی وجود ندارد، بعضی از رشته‌ها گرایش و بعضی رشته هستند (م ۹)؛ مکانیسم تعریف شده استانداردی، برای ایجاد رشته در آموزش عالی نداریم، گروه های مختلف در دانشگاه های کشور، با توجه به اجتهادهای شخصی و تجارب خود اقدام می‌کنند، بسیاری از تلاش‌هایی که شکل می‌گیرد با انجام کارهای موازی مواجه است (م ۱۳)؛ طولانی شدن فرآیند	۱۰	۵. طولانی شدن فرآیند تدوین رشته (م ۱۲ و ۱۴ و ۲) ۶. ساختار بوروکراتیک اداری (م ۲ و ۱۷) ۷. انجام مکانیکی فرآیند تدوین رشته (م ۱۴) ۸. تمرکزگرایی (م ۱۵ و ۱۷) ۹. عدم اجرای برنامه‌های جامع آموزشی مبتنی بر اسناد بالادستی (م ۱۷)			
	۳				
	۱				
	۳				
	۲				

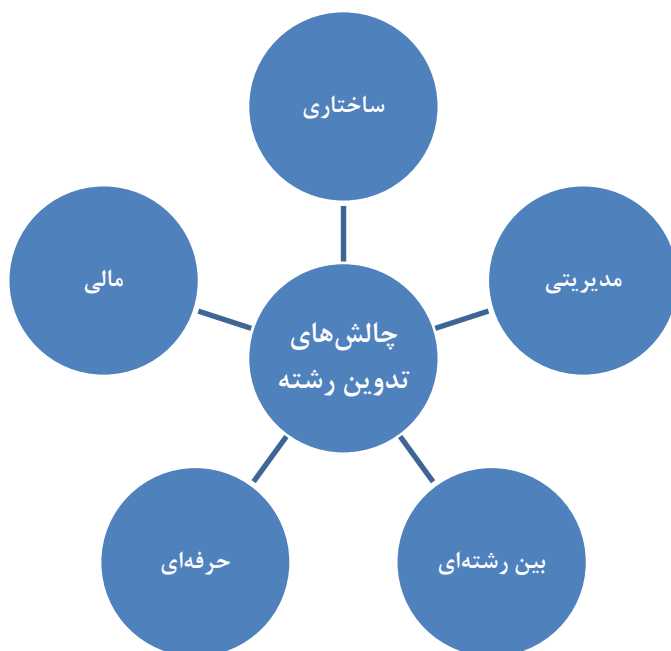
تدوین رشته به دلیل شلوغی و حجم زیاد کار در وزارتخانه چالشی مضاعف است (م ۱۲)؛ تصحیح ها و ارائه نظرات مختلف دانشکده، دانشگاه، وزارت علوم و دانشگاه های دیگر درباره رشته، روند را طولانی و سخت می کند. یک سری رشته ها یک عمر خاصی دارند (م ۱۴)؛ بزرگ ترین ایراد تدوین رشته جدید در کشور ما تمرکزگرایی است (م ۱۵)؛ ضوابط بروکراسی، بر ما حاکم است که ما را از فرصت ها دور می کند، دانشگاه ها با مشکل تمرکزگرایی شدیدی روبرو هستند که اجازه نمی دهد آنها متناسب با تحولات جامعه و بازار واکنش نشان دهند. زمینه آن رشته ای که ما ۲ سال پیش اقدام نمودیم الان از بین رفته، فرصت را از دست دادیم چون مشتری آن رشته عملاً نیازش را از جایی دیگر تأمین کرده است، از					
--	--	--	--	--	--

				دیگر نقاط ضعف دانشگاه‌ها، مقید نبودن به سند چشم‌انداز کشور، برنامه‌های ۵ ساله و نداشتن آمایش سرزمین است، اشکال وزارتخانه این است که همه دانشگاه‌ها را یکی می‌بیند و دانشگاه‌ها نمی‌دانند رسالت آمایشی آنها چیست؟ این از مسائل کلان و ساختاری است که هنوز حل نشده (م ۱۷)
مدیریتی	۱۵	۱. مشغله زیاد و کمبود وقت مسؤولین (م ۱) ۲. تغییر مدیران و سیاست‌های سازمان (م ۲ و ۳ و ۴ و ۲۲) ۳- ضعف حمایت مدیران و دانشگاه برای پیگیری رشته (م ۱۰ و ۱۹) ۴- انتظارات نامناسب از	۷ ۳ ۲ ۲	گرفتاری مسؤولین مستقیم وزارتخانه، نداشتن وقت کافی اعضای کمیته تهران و مشغولیت بیش‌ازحد آن‌ها از مهم‌ترین موارد است (م ۱)؛ با افراد زیادی در بیرون ارتباط داریم، می‌گویند اگر این رشته راه اندازی کردید ما فلان امکانات را به شما می‌دهیم. اما بعد از دو سال یا توافق نامه دست کسی نمانده، یا افراد امضاکننده دیگر در آن پست نیستند (م ۲)؛ در خصوص رشته ما، اعضای کمیته نظراتی دادند، آن‌ها را اعمال

۱	اعضای هیئت علمی تدوین کننده (م ۷) ۴- علاقه مندی مسئولین در اولویت ثبت رشته جدید بنام دانشگاه خود (م ۱)				کردیم، بعد که برگردانیدیم، دیدیم اعضای شورا عوض شده و این افراد، نظرات جدیدی داشتند (م ۳)؛ با پشت سر گذاشتن همه مشکلات بعد از یک سال نیم این را شنیدیم که در حال حاضر سیاستمان گسترش رشته ها نیست (م ۴)؛ مشکلی که اشک مرا درآورد این بود که اعضا کمیته ها تغییر می کنند زیرا حکمشان ۲ ساله است (م ۲۲)؛ وقتی این حرکت از دانشگاه ما شروع شد هیچ گونه تشویق و پشتیبانی مدیران از آن به عمل نیامد (م ۱۰)؛ باوجودی که، راه اندازی بین رشته ای جزء اهداف قطب ها و به عنوان چشم انداز مطرح شده و در برنامه سوم و چهارم تأکید زیادی بر آن شده، متأسفانه در وزارت خانه همکاری لازم نشد و فقط در سطح شعار جلو رفتند (م ۱۹)؛ دانشگاه و مسئولین پیگیری مداوم را ندارند و انتظار دارند این کار را هیئت علمی انجام دهد (م ۷)؛ شاید مسئولین مستقیم
۲	۵- شفاف نبودن سیاست های مدیران در فرآیند تدوین (م ۸)				

دوست دارند این رشته برای اولین بار در دانشگاه خودشان اجرا شود، ازاین جهت اقدام خاصی به عمل نیاوردند (م ۱)؛ با تغییر مدیریت، کلاً وزارت خانه تغییر می کند و ما نمی دانیم سیاست وزارت علوم در قبال رشته جدید چیست؟ (م ۸)					
هر گروه یک بودجه خاصی دارد، وقتی رشته ی جدید می آید این بودجه باید برای رشته جدید هم ثبت شود، لذا مخالفت هایی را در پیش دارد زیرا منابع و بودجه دانشگاه ها محدود است. بنابراین همکاران مخالفت هایی داشتند که اگر رشته جدید بیاید، باید کلاس های درسی و آزمایشگاه ها برای رشته جدید پخش شود (م ۹)؛ یک ریال نمی دهند، می گویند از افراد مختلف دعوت کنید که بیایند ولی از پول خبری نیست (م ۱۶)؛ برای داوری رشته های جدید منابع مالی وجود ندارد (م ۱۷)؛ قبلاً استاد کمک هایی می کرد ولی الآن کمک نمی کند	۱۲	۱- عدم وجود سازوکار تأمین مالی و اعتبارات برای تدوین رشته (م ۱ و ۹ و ۱۶ و ۱۷) ۲- تکیه بر اقتصاد دولتی برای تأمین هزینه های تدوین رشته (م ۶) ۳- عدم اختصاص اعتبار برای بخش تدوین رشته در آئین نامه های مالی (م ۱۳ و	۱۸	مالی	
	۲				
	۶				

چون اقتصاد ما دولتی است، وقتی دولت پول ندارد هیچ کجا پول نیست (م ۶)؛ دانشگاه بودجه‌ای را برای این کار تعیین نکرده و ما به ازایی برایش تعریف نشده، ما از متخصصان بیرونی دعوت می‌کردیم، به ما هیچ ردیفی را نمی‌دادند که بتوانیم به متخصصان دعوت شده پرداختی داشته باشیم (م ۱۳)؛ باید به ۱۰۰ نفر زنگ بزنم. در خیلی از مواقع اعضای هیئت علمی مدعو خودشان هزینه رفت و برگشتشان را می‌پردازند (م ۲)؛ نه تنها برای این کار هزینه در نظر نمی‌گیرند بلکه ساعت تدوین، در برنامه هفتگی اساتید هم منظور نمی‌شود (م ۲۱).	۲	۲) ۴-بی توجهی به نقش کلیدی دریافت اعتبار از بخش‌های غیردولتی برای ایجاد رشته (م ۶) ۵-محسوب نشدن ساعت تدوین رشته در برنامه آموزشی و پژوهشی (م ۲۱)			
--	---	---	--	--	--



شکل ۱: نقشه مفهومی چالش‌های تدوین رشته‌های جدید دانشگاهی

بحث و نتیجه‌گیری

دانشگاه‌های ایران در طی دهه‌ی اخیر در زمینه‌ی تدوین رشته‌های جدید پذیرای حرکت در مسیر تمرکززدایی بوده‌اند. پیدایش و اجرای این فعالیت در عمل توانسته تأثیراتی بر معیارهای بنیادی و کاربردی تدوین رشته داشته و چالش‌هایی را در بخش‌های فرآیند مذکور ایجاد کند. یافته‌های این پژوهش که مبتنی بر تجارب عینی شرکت‌کنندگان در مطالعه، بیانگر دو چالش بزرگ بنیادی و کارکردی مهم و قابل تأمل به‌عنوان مقوله هسته در فرآیند تدوین رشته است که در پنج مقوله کلی قرار گرفته و می‌تواند به‌عنوان مانعی مهم در ارتقا و اعتباربخشی دانشگاه و توسعه سایر بخش‌های جامعه محسوب شود. بر اساس مقوله چالش‌های بنیادی، نتایج تحقیق حاکی از آن است که:

۱- در ارتباط با مقوله‌ی چالش علمی - حرفه‌ای و مؤلفه‌های آن:

الف- ضعف و اختلاف نظر علمی و تخصصی اعضای گروه یکی از چالش های مطرح علمی - حرفه ای است که موجب شده تا اعضای هیئت علمی اقدام به ملاحظه کاری و مقاومت در برابر تغییر نمایند. این عمل تأثیرات سویی بر فرآیند تدوین رشته داشته و کیفیت برنامه درسی آن را نیز خدشه دار نموده است. مشارکت کنندگان ضمن توجه به این مسئله، ضرورت دعوت از متخصصان خارج از گروه و استفاده از دانش و تجربیات مدیران اجرایی را توصیه نمودند. در این راستا مهرمحمدی (۱۳۸۸)، سیلور و همکاران (۱۳۷۸)، آویژگان و همکاران (۲۰۱۵)، شورت^۱ (۱۹۸۲) و سابار^۲ (۱۹۸۹) نیز معتقد به بهره مندی از نظرات متخصصان رشته های علمی می باشند. به نظر می رسد کم توجهی و یا در مواردی غفلت عملی نسبت به ضرورت حرکت بر پیشانی علم و قرار گرفتن بر ستون دانایی به عنوان رسالت علمی - حرفه ای در فرآیند تولید دانش و تدوین رشته زمینه ساز این چالش شده است.

ب- علاوه بر موارد فوق، نتایج حاکی از کم توجهی به متخصصان برنامه درسی در فعالیت های عملی برنامه ریزی درسی است. به نظر می رسد تصور تدوین کنندگان رشته این است که با وجود متخصصان حوزه دانش، نیازی به صاحب نظر برنامه درسی وجود ندارد و این نتیجه برخلاف یافته های پژوهش شریفیان (۱۳۸۹) و نیلی (۱۳۸۸) در پرورث حضور برنامه ریزان درسی است چون این گروه رسالت مفهومی کردن، طراحی و اجرای برنامه درسی را بر عهده دارند بنابراین با لحاظ نمودن رویه ها و اصول علمی برنامه ریزی درسی در رشته های مختلف می توانند نقش فعالی در سرعت و کیفیت فرآیند ایجاد رشته و تدوین برنامه درسی آن داشته باشند. در راستای تأیید این یافته، شواب^۳ (۱۹۶۸) ضمن تأکید بر بازگرداندن متخصصان برنامه درسی به صحنه های تصمیم گیری عملی برنامه درسی به شکل سنجیده و متین اظهار نمود که تدوین برنامه درسی یک فرآیند پژوهشی، ناظر به عمل فکورانه است. بنابراین هرگونه تصمیم گیری، اقدام و عملی درباره آن باید با اتکای بر عقلانیت و خرد عملی انجام گیرد.

علاوه بر این، اولویت بندی مقوله ها نشان داد در هر دو دسته بندی مقوله ها چالش های عملی - حرفه ای در آخرین ردیف و اولویت قرار گرفته است. از این رو به نظر می رسد اعضای

1 Short

2 Sabar

3 Schwab

هیئت علمی تدوین‌کننده رشته در این فرآیند در زمینه عملی - حرفه‌ای وضع بهتری داشته و با چالش کمتری برخورد نموده‌اند.

۲- در ارتباط با مقوله‌ی چالش بین‌رشته‌ای و مؤلفه‌های آن، نتایج حاکی از تأکید مشارکت‌کنندگان بر، دشواری تنظیم برنامه درسی و محتوای دروس، کمبود منابع علمی و اعضای هیئت علمی توانمند، دشواری رهبری و هماهنگی رشته‌ها و ضعف فعالیت‌های تیمی بود. این چالش‌ها مؤید نتایج پژوهش‌های نوروززاده و فتحی واجارگاه (۱۳۸۷)، گیلد^۱ و همکاران (۲۰۰۷)، ملکی (۱۳۸۸)، و اعتمادی زاده (۱۳۹۰) است. در این راستا، استارک و لاتوکا (۱۹۹۷) ترکیب دیدگاه‌های متنوع و مواجهه با انتظارات متضاد، برومه^۲ (۲۰۰۰) نبود واژگان مشترک بین اعضای هیئت علمی چند رشته، میلر و بویکس مانسیلا^۳ (۲۰۰۴) دشواری برقراری ارتباط بین دیدگاه‌های مختلف و استانداردهای متفاوت و گاه متضاد در رشته‌ها، و کلاین^۴ (۲۰۱۰) نبود رهبران باتجربه، زیرساخت‌های متفرق، دستورالعمل‌های ناکافی و رقابت شدید گروه‌ها و دانشگاه‌ها را مورد تأکید و توجه قرار داده‌اند. علاوه بر این ریگلر^۵ (۲۰۰۵) نیز، تفاوت زمینه‌های آموزشی اعضای هیئت علمی، نقص اطلاعاتی و ترجیح پیش‌بینی در مقابل تبیین، را به‌عنوان موانعی می‌داند که باعث دشوار شدن این فرآیند شده است.

بر اساس موارد فوق‌الذکر به نظر می‌رسد، برخلاف تک رشته‌ای‌ها که از وسعت، توالی منطقی و ثغور مشخصی برخوردارند، در طراحی برنامه‌های درسی بین‌رشته‌ای این ویژگی به چشم نمی‌خورد. به عبارت دیگر، نوعی التقاط ناموزون (بختیار نصرآبادی، ۱۳۹۰) و ترکیب بدون قاعده بر این برنامه‌ها حاکم است که به معنای کنار هم گذاشتن مطالب و موضوعات از رشته‌های مختلف، بدون مرکزیت مشخص و کانون شفاف یادگیری است. نتیجه این کار، عدم یکپارچگی و تمامیت سازمانی برنامه درسی و بی‌اعتباری محتوا از منظر درون رشته‌ای است که مباحث خاص رشته‌ای را به متخصص آن رشته تحمیل نموده و می‌تواند منجر به کاهش کیفیت یادگیری شود. درحالی‌که نیاز جامعه امروز، هماهنگی دانش‌آموختگان با مختصات زندگی معاصر است نه تخصص صرف. بنابراین دانشجویان بین‌رشته‌ای برای انجام

1 Glied

2 Bromme

3 Miller & Boix Mansilla

4 Klein

5 Riegler

موفقیت آمیز بودن فعالیت های علمی و پژوهشی خود نیازمند منابع علمی غنی و اعضای هیئت علمی توانمندی هستند که دروندادهای فکری مناسبی را در اختیار آنها قرار دهند، لذا ضعف یا نبود اعضای هیئت علمی و منابع علمی، خود چالشی بزرگ بر سر راه تدوین بین رشته ای ها محسوب می شود.

اولویت بندی مقوله ها نیز نشان داد اگرچه چالش های بین رشته ای در چهارمین ردیف و اولویت مطرح شده در دسته بندی مقوله های عمده قرار گرفته است اما اولین اولویت چالش زای بنیادی است که اعضای هیئت علمی تدوین کننده رشته در این فرآیند با آن مواجه شده اند. به نظر می رسد در حال حاضر توسعه بین رشته ای ها و کاربردی نمودن رشته ها در برنامه های توسعه سوم و چهارم مورد تأکید قرار گرفته است. لذا اساتید تدوین کننده بین رشته ای در انجام این فعالیت با موانعی روبرو هستند که این در راستای نظر اعتمادی زاده (۱۳۹۰) می باشد. در راستای مقوله چالش های کارکردی نیز، نتایج تحقیق حاکی از آن است که:

۳- در ارتباط با مقوله ی چالش ساختاری و مؤلفه های آن: نوعی تمرکز محوری در ساختار سازمانی آموزش عالی و دانشگاه ها در فرآیند فعلی تدوین رشته های تحصیلی حاکم است که پیامد آن محدود شدن فعالیت دانشگاه ها می باشد. بنابراین به نظر می رسد، در وضعیت کنونی برخی از اعضای هیئت علمی تدوین کننده رشته در نقش مجری و یا برنامه ریز به صورت محدود در چارچوب برنامه و سرفصل های مصوب فعالیت می نمایند. درحالی که برای رسیدن به وضع مطلوب انتظار می رود که تدوین کنندگان رشته های دانشگاهی با حرکت به سمت عدم تمرکز بتوانند نقش مؤثرتر و فعال تری در تدوین رشته ها داشته باشند، زیرا تمرکزگرایی، ساختار بوروکراتیک اداری و دستورات سلسله مراتبی مسئولین، موجب طولانی شدن فرآیند تدوین رشته، از دست دادن مشتریان دوره ها و مهم تر از آن موازی کاری های زیاد در دانشگاه ها شده است. در این راستا حاتمی (۱۳۸۸) وابستگی رشته جدید به نهادهای سیاست گذار، نایبرگ^۱ (۲۰۰۳)، برقی، ملکی، عباس پور، زارعی زوارکی و سراجی (۱۳۹۳) و امیریان زاده و شفیع زاده (۱۳۹۱) استقلال دانشگاهی، سیگل، ولدمن و لینک^۲ (۲۰۰۳) ساختار بوروکراتیک دانشگاهی، کارتر^۳ و همکاران (۲۰۱۲) مقاومت در برابر تغییر؛ نادری بنی

1 Nyborg

2 Siegel, Waldman & Link

3. Carter

(۱۳۹۲)، سلسبیلی (۱۳۸۶) و زین الدینی میمند، موسی‌پور، و جوادی (۱۳۸۴) تمرکزگرایی و مهرمحمدی و همکاران (۱۳۹۰) تشکیلات نظام برنامه‌ریزی درسی را از چالش‌های ساختاری دانشگاه اعلام نموده‌اند که با نتایج پژوهش حاضر همسو است.

با بررسی موارد فوق مشخص می‌شود که، ساختار و تشکیلات اداری از ارکان اصلی سازمان و به‌عنوان مهم‌ترین عامل چالشی است که به اعتقاد دبیکر و وگلرز^۱ (۲۰۰۵) می‌تواند فعالیت‌های دانشگاه‌ها را محدود کند. بنابراین نقشی سازنده در حرکت یا توقف فرآیند تدوین رشته‌ها دارد. ازاین‌رو در شیوه مطلوب، ساختار سازمانی باید با هماهنگ نمودن فعالیت گروه‌ها و دوایر آن سازمان در سلسله‌مراتب اداری، هم به ایجاد یک سیستم ارتباطی مؤثر بپردازد (نلسون و کوئیک^۲، ۲۰۰۸) و هم به عنوان مشوقی برای کشف، تسهیل و دنبال کردن فرصت‌های تدوین رشته برای اعضای هیئت علمی باشد.

نتایج اولویت‌بندی مقوله‌ها نیز نشان داد در هر دو دسته‌بندی مقوله‌ها، چالش‌های ساختاری در اولین ردیف و اولویت قرار گرفته است. ازاین‌رو به نظر می‌رسد اعضای هیئت علمی تدوین‌کننده رشته در این فرآیند در زمینه مؤلفه‌های ساختاری احساس ضعف نموده و با چالش‌های بیشتری برخورد نمودند و این در راستای پژوهش دبیکر و وگلرز (۲۰۰۵) است که از نظر آن‌ها می‌تواند فعالیت‌های دانشگاه‌ها را محدود کند.

۴- در ارتباط با مقوله‌ی چالش مدیریتی و مؤلفه‌های آن، نتایج تحقیق بیانگر ضعف عملکرد مسئولین در پیگیری و حمایت از رشته جدید، تغییر مدیران و مشغله بیش‌ازحد آن‌هاست. با توجه به نقش حساس و سازنده‌ای که مدیران در تأمین اهداف، اجرای برنامه و انجام مسئولیت‌های محوله دارند، ضروری است که شرایط انتصاب مدیران از قبل تعیین گردد و مطابق آن عمل شود (سید عباس زاده، ۱۳۷۸). در راستای تأیید نتیجه مطالعه حاضر، شکاری، لهرابی گله، تمنایی فر و یزدخواستی (۱۳۸۸) و فرتوک زاده (۱۳۷۸) بر بی‌ثباتی در مدیریت و برنامه‌ریزی نظام آموزش عالی تأکید نمودند. آن‌ها تغییر مدیران را یکی از چالش‌های مدیریتی می‌دانند که برخاسته از نوسانات سیاسی جامعه می‌باشد و می‌تواند ضرباتی را بر پیکره نظام آموزش عالی و کیفیت برنامه‌های آن وارد کند. این امر باعث می‌شود تا توجه مدیران به سمت

1 Debackere & Veugelers

2 Nelson & Quick

اهداف کمی و کوتاه مدت سوق داده شوند و نظام آموزش عالی را از توجه به نیازهای واقعی و اهداف بلند مدت و کیفی دور سازد. بر این اساس معین (۱۳۸۳) نیز بر ناکارآمدی نظام اداری و کمیت گرایی در فرآیند توسعه به عنوان چالش مدیریت آموزش عالی تأکید نموده است که منجر به عدم تناسب نظام برنامه ریزی توسعه با شرایط علمی، فرهنگی و اجتماعی می شود. بنابراین برای رسیدن به توسعه پایدار در فرآیند تدوین رشته باید به رعایت اولویت کیفیت بر کمیت و یا حداقل تعادل بین این دو توجه نمود.

علاوه بر موارد فوق نتایج حاکی از وجود نوعی تفکر و ذهنیت منفی در تدوین کنندگان رشته نسبت به مسئولین وزارتخانه دست اندرکار این فرآیند است که از نظر آن ها نقش چالشی دارد. به زعم این گروه علاقه مندی برخی از مسئولین وزارتخانه به اولویت ثبت رشته جدید، بنام دانشگاه خود می تواند چالشی در این فرآیند محسوب شود. دهقانی، سید عباس زاده و جعفری ثانی (۱۳۸۸) با تأکید بر اعمال روابط در تصمیم گیری های سازمان های آموزشی بیان داشتند وجود قوانین و مقررات مناسب و رعایت آن در سازمان های آموزشی یکی از راه های نجات یافتن از روابط و اعمال نفوذ در تصمیم گیری هاست. از این رو در آموزش عالی و به خصوص در زمینه ایجاد رشته، قابلیت های مدیریتی، مهم ترین عامل چالشی است که بر روی محوری از ضعف تا قوت واقع شده است یعنی برحسب میزان اتکای تدوین کنندگان می تواند مسیر تدوین رشته را از شدت تا ضعف تغییر دهد. از آنجاکه بین شیوه های مدیریت دانشگاه و فرآیند تدوین رشته ها رابطه تنگاتنگی وجود دارد، به نظر می رسد مدیران و مسئولین در گروه، دانشکده، دانشگاه و وزارتخانه نقش مهمی در تسهیل این فرآیند دارند. بنابراین تفویض اختیار، اتفاق نظر و هماهنگی بین گروه های مسئول و همکاری متقابل در اجرای برنامه ها و تحقق اهداف، ضروری است که معیری (۱۳۸۳) نیز به آن اشاره نموده است. نتایج تحقیقات استارک و لاتوکا (۱۹۹۷) نیز نشان می دهد مدیرانی که محیط آموزشی مثبتی را به وجود می آورند در عین ایجاد هماهنگی می توانند انگیزه های قوی برای مدیران برنامه و دانشکده ایجاد می کنند تا برنامه ریزی درسی را جدی بگیرند. بنابراین در دنیای متحول امروز، موفقیت متعلق به سازمان هایی است که بین عملکرد مدیریت و ساختار سازمانی رابطه صحیحی برقرار نمایند.

نتایج اولویت بندی مقوله ها نیز نشان داد در هر دو دسته بندی مقوله ها، چالش های مدیریتی در سومین ردیف و اولویت قرار دارد که به نظر می رسد ضعف در این مورد می تواند مشکلاتی را

ایجاد کند. بر این مبنا استارک و لاتوکا (۱۹۹۷) ضمن تأکید بر هماهنگی آن را یک عامل موفقیت سازمانی می‌داند.

۵- در ارتباط با مقوله‌ی چالش مالی و مؤلفه‌های آن، نتایج حاکی از آن است که در شرایط کنونی برای تدوین رشته از قبل، اعتباری پیش‌بینی نشده است. از این رو دانشگاه‌ها برای تأمین منابع مالی و امکانات موردنیاز، دعوت از متخصصان خارجی برای تدوین برنامه درسی با مشکلات عدیده‌ای در این فرآیند روبرو هستند. در این راستا، سبحانی نژاد و همکاران (۱۳۹۰) بر، عدم وجود سازوکار تأمین مالی و اعتباری مناسب دانشگاهی، مهرمحمدی و همکاران (۱۳۹۰) چالش اقتصادی و ذاکر صالحی (۱۳۸۳) چالش کمیته‌ی و مالی در آموزش عالی تأکید نموده‌اند. بر اساس نتایج مطالعات فوق‌الذکر به نظر می‌رسد، اگر چه کمبود منابع و ضعف مالی مشکل جدی برای همه دانشگاه‌ها می‌باشد. اما در کشورهای مبتنی بر سیاست اقتصاد آزاد که نقش حمایتی دولت کاهش یافته است تأثیر این عامل کمتر است. در دانشگاه‌های ایران وضعیت مالی سخت‌تر است (روشن، ۱۳۸۸) زیرا در ایران منبع عمده درآمدی دانشگاه‌ها از محل بودجه دولتی تأمین می‌گردد. پیامد این مسئله توقف، حرکت کند و زمان‌بر فرآیند تدوین رشته می‌باشد که می‌تواند بر کمیت و کیفیت رشته‌ها و حتی توسعه سایر بخش‌های تأثیرپذیر از دانشگاه تأثیری منفی داشته باشد. در تأیید این نکته پاورز و مک دوگال ۱ (۲۰۰۵) اظهار داشتند، کم‌توجهی به منابع مالی سبب افت شدید فعالیت‌های دانشگاهی می‌شود.

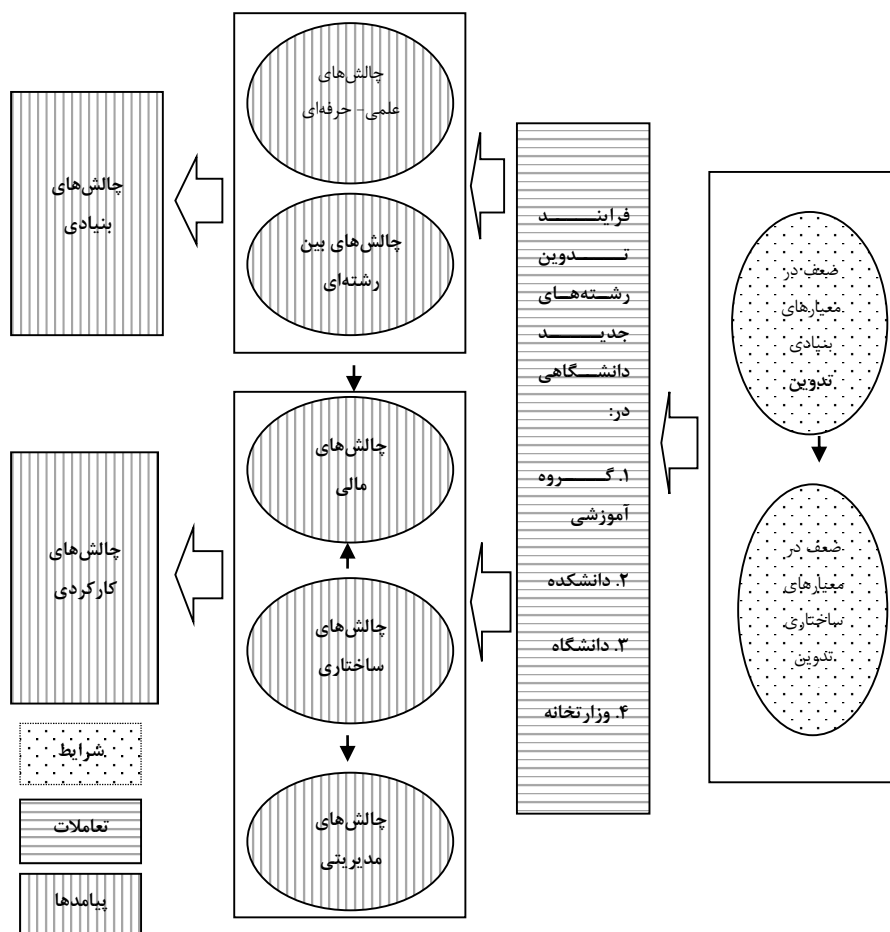
برای کاهش تأثیر این چالش نایبرگ (۲۰۰۳) بر استقلال دانشگاهی و نظام بودجه ریزی توصیه می‌کند زیرا تعدادی از مشارکت‌کنندگان اعلام نمودند، برخی از اعضای هیئت علمی علاقه‌مند به تدوین رشته، برای تأمین هزینه‌های مالی مجبور به استفاده از سرمایه اجتماعی، ارتباطات دوستانه و غیررسمی و توسل به سازمان‌های بیرونی می‌شوند که این روش خیلی پاسخ‌گو نیست. بر این اساس است که سوتیراکو ۲ (۲۰۰۴) می‌گوید کاهش بودجه تخصیص داده شده به دانشگاه‌ها سبب شده است تا دپارتمان‌های آموزشی، درصدد جستجوی منابع خارجی برای تأمین هزینه‌ها باشند.

1 Powers & McDougall

2 Sotiraco

نتایج اولویت بندی مقوله ها نیز نشان داد در هر دو دسته بندی مقوله ها، چالش های مالی در دومین ردیف و اولویت قرار دارد که به نظر می رسد مشکلی جدی برای همه دانشگاه ها می باشد. به گونه ای که به زعم پاورز و مک دوگال (۲۰۰۵) می تواند سبب افت شدید فعالیت های دانشگاهی شود.

با توجه به نتایج حاصل از جدول شماره (۱) و توضیحات ارائه شده فوق می توان گفت مفهوم و مقوله چالش های بنیادی و کارکردی، مقوله هسته ای مفهومی است که می تواند کلیه مقوله ها و مباحث فوق را پوشش داده و جنبه تحلیلی نیز داشته باشد. بنابراین تدوین رشته های جدید دانشگاهی به عنوان یک فرآیند مؤثر در رشد و توسعه کمی و کیفی آموزش عالی می تواند بر سایر بخش های جامعه تأثیر گذار باشد. از آنجاکه این فرآیند در مراحل مختلف گروه، دانشکده، دانشگاه و وزارتخانه تحت تأثیر دو دسته معیارهای بنیادی و کارکردی قرار دارد که به عنوان شرایط زمینه ساز رشته ها محسوب شده اند، لذا نتایج پژوهش نشان داد وجود هر نوع مانع و ضعف در این دو دسته عوامل در هر یک از مراحل می تواند زمینه ساز شرایطی گردد که خلل در این فرآیند و تعاملات موجود در آن و نهایتاً ظهور چالش های علمی- حرفه ای، بین رشته ای، ساختاری، مدیریتی و مالی را موجب شود. پیامد عمده این وضعیت حضور چالش های بنیادی و کارکردی به مثابه مقوله هسته ای در فرآیند تدوین رشته است که در جامعه تحت مطالعه در قالب یک مدل پارادایمیک شامل شرایط، فرآیند/ تعامل و پیامد در شکل شماره (۲) ارائه شده است.



شکل ۲: نظریه زمینه‌ای چالش‌های تدوین رشته‌های جدید دانشگاهی

پیشنهادهای

با توجه به نتایج این تحقیق مشخص گردید ضعف‌های موجود در تدوین رشته‌های جدید دانشگاهی می‌تواند یک مانع مهم برای توسعه و کیفیت رشته‌ها و ارتقا و اعتبار بخشی دانشگاه‌ها محسوب شود. بر اساس نتایج پژوهش حاضر، برای برون رفت از این چالش‌ها راهکارهایی پیشنهاد می‌شود که عمده‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

الف- برای برون رفت از چالش های علمی:

۱- راه اندازی شبکه اعضای هیئت علمی یک رشته در ایران و غنای تدوین و اجرای برنامه درسی رشته جدید

۲- ایجاد و راه اندازی انجمن علمی مدرسان یک رشته و تفویض برخی از اختیارات تدوین رشته به آنها

ب- برای برون رفت از چالش های ساختاری:

۳- تأمین استقلال عملیاتی دانشگاه های برجسته و تمرکز زدایی آنها برای تدوین و طراحی برنامه درسی رشته ها

۴- مکانیزه نمودن فرآیند تدوین رشته برای کوتاه نمودن زمان تدوین رشته

ج- برای برون رفت از چالش های مدیریتی:

۵- تنظیم آیین نامه های تدوین و راه اندازی رشته و شفاف سازی قوانین

۶- شفاف سازی سیاست های مدیران دانشگاه و وزارتخانه

د- برای برون رفت از چالش های مالی:

۷- بسترسازی فرهنگ پذیرش تدوین رشته به عنوان بخشی از وظایف پژوهشی اعضای هیئت علمی

۸- معرفی اقدامات دانشگاه های کارآفرین در تأمین مالی تدوین رشته

فهرست منابع:

- اعتمادی زاده، هدایت اله. (۱۳۹۰). تبیین پژوهش میان رشته‌ای در آموزش عالی، قوت‌ها، ضعف‌ها، تهدیدها و پیش بایست‌ها، پایان نامه دکتری برنامه‌ریزی درسی (چاپ نشده). اصفهان: دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه اصفهان.
- امیریان زاده، مژگان و شفیع زاده، حمید. (۱۳۹۱). چالش‌های آموزش عالی ایران در هزاره سوم، مندرج در: آموزش عالی، چالش‌ها و راهبردها، تهران: پژوهشکده تحقیقات راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- بختیار نصرآبادی، حسنعلی. (۱۳۹۰). امکان سنجی و الویت بندی رشته‌های بین رشته‌ای از دیدگاه اعضای هیئت علمی و دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه آزاد نجف آباد. طرح پژوهشی. دانشگاه آزاد نجف آباد.
- برقی، عیسی؛ ملکی، حسن؛ عباس‌پور، عباس؛ زارعی زوارکی، اسماعیل و سراجی، فرهاد. (۱۳۹۳). طراحی و اعتباریابی الگوی مطلوب برنامه‌درسی مساله محور در دانشگاه‌های الکترونیکی؛ مطالعه ترکیبی. دو ماهنامه راهبردهای آموزش در علوم پزشکی، ۷(۱): ۶۹-۶۳.
- حاتمی، جواد. (۱۳۸۸). چالش‌های آموزش رشته‌های علوم انسانی در دانشگاه‌های ایران: یک مطالعه کیفی. مجموعه مقالات نهمین همایش سالانه انجمن مطالعات برنامه درسی ایران. صص ۱۹-۱.
- دهقانی، مرضیه؛ سیدعباس زاده، میرمحمد؛ جعفری ثانی، حسین. (۱۳۸۸). چالش‌های مدیریتی در اجرای برنامه درسی دانشگاه‌ها در مقایسه با آموزش و پرورش. مجموعه مقالات نهمین همایش سالانه همایش سالانه انجمن مطالعات برنامه درسی ایران. صص ۱۴۲-۱۲۲.
- ذاکر صالحی، غلامرضا (۱۳۸۳). دانشگاه‌های آینده. دایره المعارف آموزش عالی. بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی.
- روشن، احمد رضا. (۱۳۸۸). رهیافت‌هایی برای تأمین مالی دانشگاه‌ها. اولین کنفرانس بین‌المللی توسعه نظام تأمین مالی در ایران.
- زین‌الدینی میمند، زهرا؛ موسی‌پور، نعمت‌الله و جوادی، یدالله (۱۳۸۷). آمادگی اعضای هیئت علمی برای پذیرش برنامه‌ریزی درسی غیرمتمرکز در آموزش عالی ایران. همایش تمرکز و عدم تمرکز در فرآیند برنامه‌ریزی درسی. تهران: پژوهشکده مطالعات آموزش و پرورش.

سبحانی نژاد، مهدی؛ رهنما، اکبر و شاه حسینی، نجیبه (۱۳۹۰). بررسی چالش های تحقق نظام مصوب برنامه ریزی درسی غیر متمرکز دانشگاهی از دید اعضای هیئت علمی رشته علوم تربیتی دانشگاه های دارای هیئت ممیزه شهر تهران در سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸. پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی. ۵۹: ۶۸-۴۷.

سلسیلی، نادر. (۱۳۸۶). گذار نظام برنامه ریزی درسی ایران به سمت عدم تمرکز در طراحی و تدوین برنامه درسی، با تأکید بر برنامه ریزی درسی مبتنی بر مدرسه. فصلنامه مطالعات برنامه درسی. ۱(۴): ۶۸-۴۹.

سید عباس زاده، میر محمد (۱۳۸۷). مسائلی در مدیریت دولتی ایران. ارومیه: انتشارات دانشگاه ارومیه.
سیلور، جی گالن، الکساندر، ویلیام ام. و لوئیس، آرتور جی. (۱۳۷۸). برنامه ریزی درسی برای تدریس و یادگیری بهتر. ترجمه غلامرضا خوی نژاد. مشهد: آستان قدس رضوی.
شریف، مصطفی (۱۳۹۰). برنامه درسی، گفتمان نظریه، پژوهش و عمل برنامه درسی پیشرفتگرا. اصفهان: انتشارات جهاد دانشگاهی.

شریفان جزی، فریدون (۲۰۱۰). تبیین برنامه درسی مشارکتی در دوره تحصیلات تکمیلی دانشگاه های مورد مطالعه: اصفهان و صنعتی اصفهان. پایان نامه دکتری برنامه ریزی درسی (چاپ نشده). اصفهان: دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه اصفهان.

شکاری، عباس؛ لهرابی گله، یعقوب؛ تمنایی فر، محمدرضا؛ یزدخواستی، یزدخواستی (۱۳۸۸). چالش های برنامه درسی آموزش عالی در راه جهانی شدن با تأکید بر تمرکززدایی چشم اندازی جدید. مجموعه مقالات نهمین همایش سالانه همایش سالانه انجمن مطالعات برنامه درسی ایران. صص ۱۰۷-۹۶.

فتحی واجارگاه، کوروش؛ موسی پور، موسی؛ یادگارزاده، غلامرضا. (۱۳۹۳). برنامه ریزی درسی آموزش عالی. تهران: مهربان نشر.

فرتوک زاده، حمیدرضا (۱۳۷۸). چالش های مدیران در آغاز هزاره سوم، تدبیر: ۱۰۰.

قدیمی، سعید؛ محمدی نژاد، بهزاد. (۱۳۹۰). شیوه نامه تدوین و بازنگری برنامه درسی. تهران: الغدیر.
کافمن، راجرز؛ هرمن، جری (۱۳۸۲). برنامه ریزی استراتژیک در نظام آموزشی. ترجمه فریده مشایخ و عباس بازرگان، تهران: مدرسه.

گال، مردیت، بورگ، والتز و گال، جویس (۱۳۸۳). روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روانشناسی (احمدرضا نصر و همکاران، مترجم). تهران: دانشگاه شهید بهشتی و سمت.

معین، مصطفی. (۱۳۸۳). *موانع توسعه علمی*. دائرة المعارف آموزش عالی. بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی.

ملکی، حسن. (۱۳۸۸). *برنامه‌ریزی درسی*. مشهد: پیام اندیشه.

مهرمحمدی، محمود؛ احمدی، آمنه و موسی‌پور، نعمت‌الله. (۱۳۹۰). *الگوی نظری زیرنظام برنامه‌ریزی درسی و آموزش*، مجموعه مقالات اولین همایش ملی تحول بنیادین در نظام برنامه درسی ایران. صص ۹۳-۱۱۰.

مهرمحمدی، محمود و همکاران. (۱۳۸۸). *برنامه درسی: نظرگاه‌ها، رویکردها و چشم‌اندازها*، ویراست دوم، تهران: سمت

نادری بنی، ناهید. (۱۳۹۲). *بررسی نقش فعالیت‌های اصلی و پشتیبانی دانشگاهی در کارآفرینی دانشگاه‌های دولتی ایران و اراده الگوی دانشگاه کارآفرین*. پایان نامه دکتری مدیریت آموزشی (چاپ نشده). اصفهان: دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه اصفهان.

نصر، احمد رضا، اعتمادی زاده، هدایت الله؛ نیلی، محمد رضا (۱۳۹۰). *رویکردهای نظری و عملی تدوین برنامه‌های درسی در آموزش عالی*. تهران: سازمان سمت.

نصر، احمد رضا؛ اعتمادی زاده هدایت الله و نیلی، محمد رضا (۱۳۸۷). *برنامه درسی و طراحی درس در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی*. اصفهان: انتشارات جهاد دانشگاهی.

نصر، احمدرضا، مونبدز، این سولو، کامرون، الیسون. (۱۳۹۱). *مراحل و معیارهای تدوین، تصویب و ارزشیابی درس جدید در دانشگاه‌های استرالیا*. *دوفصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی*، سال ۳، شماره ۶، صص ۲۸-۷.

نوروززاده، رضا؛ فتحی واجارگاه، کورش. (۱۳۸۷). *درآمدی بر برنامه‌ریزی درسی دانشگاهی*. تهران: موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.

نیلی، محمد رضا. (۱۳۸۸). *برنامه درسی پاسخگو در آموزش عالی: مطالعه موردی دانشگاه‌های دولتی اصفهان*. *پایان نامه دکتری برنامه‌ریزی درسی* (چاپ نشده). اصفهان: دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه اصفهان.

Ahonen, S.-M. and E. Liikanen. (2009). Development and challenges of a new academic discipline, radiography science. *European Journal of Radiography*. 1(3): p. 81-84.

Avizhgan, M. Mirshah Jafari, A., Nasr, A.R & Changiz, T. (2015). Curriculum leadership in the postgraduate: Gap between current and optimal status. *Journal of Research in Medical Sciences*, 2015. 20(4).

Bromme, R. (2000). Beyond one's own Perspective: the psychology of cognitive interdisciplinary. In: Weingart, P. & Stehr, N. (ed.). *Practicing Interdisciplinarity*. Toronto: University of Toronto Press, 115- 1330

Burton, N & Middlewood, D. (۲۰۰۱). *Managing the Curriculum*. California: Sage Publications Ltd.

Carter, L., Ulrich, D., Goldsmith, M. (2012). Best practices in leadership development and organization change: how the best companies ensure meaningful change and sustainable leadership. Vol. 18. 2012: John Wiley & Sons.

Davies, P.& Delvin, R. (2006). Disciplines and the Outcomes of Learning in Social Science Education. *Journal of Social Science Education*. 5(2): 25-47.

Debackere, K. & Veugelers, R. (2005). The role of academic technology transfer organizations in improving industry science links. *Research policy*, 34 (3): 321- 342.

Diamond, R.M. (2000). Designing and improving courses and curricula in Higher Education: A systematic approach. ERIC.

Glaser, B. (2001). *The Grounded Theory Perspective: Conceptualization Contrasted With Description*. Sociology Press.

Glied, S. et al. (2007). Institutional Challenges of Interdisciplinary Research Centers. *Journal of Research Administration*. 38 (2), 28- 36.

Goldfinch, T, Carew, A., David Cook, Ch, Olivares, P & Cooper, P et al (2008). Initiating curriculum Review: The Chilean Experience. In: Scott, P. & Watson, D. (2004). *Managing the Curriculum*. Basingstoke: SRHE and Open University press.

Hicks, K. (2007). Curriculum in higher education in Australia– Hello? Paper presented at 30th HERDSA Annual Conference. 8-11 July 2007 Adelaide, Australia. Available at: www.herdsa.org.au/wpcontent/uploads/conference/2007/PDF/R/p227.

Jakab, E. & Lukic, J. (2005). Disciplinization: Process and problematic. A comparative of eight European countries, Central European University Foundation, Hungary.

- Klein, J. T. (2010). *Creating Interdisciplinary Campus Cultures: A Model for Strength and Sustainability*. Jossey- Bass Publisation, San Francisco.
- Kvale, S. & Brinkman, S. (2009). *Interviews: Learning the Craft of Qualitative Research Interviewing*. (2E). Sage Publications.
- Lattuca, L.R. and Stark, J.S. (2011). *Shaping the college curriculum: Academic plans in context*. John Wiley & Sons.
- Miller, M. & Boix Mansilla, V. (2004). *Thinking across perspectives and disciplines*, interdisciplinary Studies Project, Project Zero. Harvard Gradutes School of Education.
- Morin, E. (1994). *Interdisciplinary and Transdisciplinary Transversals*. Science, Culture. 29: 4-8.
- Nelson, D. L.V. & Quick, J. (2008). *Organization Behavior*. (5 ed), Thomson, South Western.
- Nggaard, C., Hojlt, T. & Hermansen, M. (2008). *Learning – based Curriculum Development*. High Education, 55: 33-50.
- Nyborg, P. (2003). *The Bologna Process and Global Challenges in Higher Education* International Representative. Norwegian council for Hegher Education.
- Patton, M. (2001). *Qualitative Research & Evaluation Methods*. London: Sage Publication Ltd.
- Powers, J.B. & McDougall, P.P. (2005). *University Start- up Formation and Technology Licensing with Firms that Go Public: A Resource- based View of Academic Entrepreneurship*. Journal of Business venturing, 20 (3): 291-311.
- Riegler, A. (2005). *Inclusive world views: Interdisciplinary Research from a Radical Constructivist Perspective*. In: Aerts, D, et al, *Worldviews, Science and Us: Redemarcating knowledge and its social and ethical implications*. World Scientific: Singapore.
- Sabar, N. (1989). *School- Based Curriculum Development*. International Encyclopedia of Education: Supp.Vo 1.
- Schwab, J. (1968). *The Practical: A Language for Curriculum*. School Review.
- Short, E. C. (1982). *Curriculum Developement and Organization*. Encyclopedia of Edmcatinal Research. V: 1.
- Silverman, D. (2005). *Doing Qualitative Research*. London: Sage Publication.

Sotiraco T. (2004). Coping with conflict within entrepreneurial university: Threat or challenge for head departments in the UK higher education context. *International Review of Administrative Sciences*. 70(5): 345-372.

Squires, G. (1975). *Interdisciplinary*. London: Nuffield Foundation Group for Research & Innovation in Higher education.

Stark, J. (1997); Program Level Curriculum Planning. *Journal Research in Higher Education*, Vol. 1.

Stark, J., Lattuca, R. (1993). Diversity Among Disciplines: The Same Goals for All. *New Directions for Higher Education*.

Thurab- Nkhosi, D. & Marshall, S. (2009). Quality Management in Course Development and Delivery at the University of the West Indies. *Distance Education Centre. Qual Assur Educ*. 17(3): 264-280.

Toohey, S. (2000). *Designing courses for higher education.*: McGraw-Hill Education (UK)

Torin, M (2005). *Globalization, Technological change, and Higher Education*. New York: Rutledge.

Weingart, N. & Stehr, N. (2000). *Practicing Interdisciplinary* (Eds.). Toronto: University of Toronto Press.